

واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن: مطالعه موردی مصحف شماره ۱ آستان قدس رضوی (مصحف منسوب به امام علی علیه السلام)

مریم قیدر^۱

مرتضی توکلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷، صفحه ۱۳ تا ۵۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

یکی از مشهورترین مصاحف کهن قرآن، منسوب به دستخط امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره 1 وقف شده است. این مصحف به خط کوفی و در مقایسه با سایر نسخه‌ها تقریباً کامل است. در این پژوهش با مقایسه شیوه رسم این مصحف با رسم المصحف ویزگی-های مشترک و متمایز آن بازنمایی شده است. مبنای شناخت رسم المصحف، آراء ابوعمرو دانی و ابوداود سلیمان بن نجاج بوده و در این خصوص مصحف امیری و لیبی مرجع قرار داده شده است. این تطبیق از یک سو نشان داده به لحاظ شیوه رسم، میان مصحف مورد مطالعه با رسم المصحف مطابقت زیادی وجود داشته و از سوی دیگر مواضع اختلاف، جنس آنها و تکرار شونده و پرسامد بودن آنها نمایانده شده است. گفتنی است که عمده این اختلافات (قریب به ۲۰۰۰ اختلاف در رسم واژه‌های قرآنی یافت شد) از جنس حذف یا زیادت الف و همچنین تفاوت در نگارش واو یا یاء یا همزه است که رسم الخط این مصحف را با رسم المصحف متمایز می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رسم المصحف، مصحف شماره ۱، کتابخانه آستان قدس رضوی، مصحف منسوب به امام علی علیه السلام، المقنع، مختصر التبیین.

۱. دانش آموخته دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی و پژوهشگر مرکز طبع و نشر قرآن (نویسنده مسئول):

mg.gheidar@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی و قائم مقام مرکز طبع و نشر قرآن ج. ا. ایران:

mot1447@yahoo.com

درآمد

در اهمیت تحقیق در مصاحف خطی کهن می‌توان گفت که این تحقیق‌ها با بازنمایی خصوصیات رسم، قرائات و دیگر علوم مرتبط با کتابت قرآن در قرون اولیه، نقل‌ها و گزارش‌های قدما را در این باره رد و تأیید می‌کند و هر اندازه مصاحف خطی قرآن به عصر نزول و قرون اولیه اسلام نزدیک‌تر باشند اهمیت این پژوهش‌ها فزون‌تر خواهد بود.

به طور کلی، گذر زمان در تغییر رسم الخط نقش عمده‌ای داشته است. لذا، شناسایی مصاحف اولیه و شناخت ویژگی‌های املائی در قرون متقدم که تفاوت و تکامل رسم را در دوره‌های کنونی آشکار می‌کند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. انگیزه‌های دینی که در نسل‌های گذشته وجود داشته، منجر به حفظ نسخه‌های کهن در بسیاری از سرزمین‌ها و نگهداری آنها در موزه‌ها و کتابخانه‌ها شده است. با پیشرفت علم در دوره کنونی در حوزه‌های مختلف، محققان می‌کوشند تا با روش‌ها و آزمایش‌های متفاوت مانند آزمایش کربن ۱۴، خط‌شناسی و شیوه‌های شناخت رسم-المصحف و مقایسه آن با آراء عالمان رسم در سده‌های چهارم و پنجم هجری، قدمت این آثار را محرز کنند.

چنانکه مشهود است رسم المصحف و املائی کلمات قرآنی اهمیت به‌سزایی در پژوهش‌های مصاحف کهن دارد. طبق تعریف، به نحوه نگارش کلمات مصحف در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدست صحابه، رسم المصحف گویند که به تدریج این خط مبنای علمی شد و آن را «علم رسم المصحف» نامیدند. به عبارتی، در تعریف علم رسم المصحف می‌توان گفت علمی است که درباره نحوه کتابت مصاحف قرآنی بدست صحابه سخن می‌گوید (غانم قدوری، ۱۴۳۷ق ص ۲۶؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۲۰؛ مستفید، ۱۳۹۶ش، ۲۰). در واقع، این علم به تفاوت‌های میان خط قیاسی^۳ و خط مصحف می‌پردازد. گفته می‌شود که در رسم المصحف میان مکتوب و ملفوظ تطابق کمتری دیده می‌شود نسبت به خط قیاسی (فرماوی، ۱۳۹۷ق، ۱۶). برخی محققان بجای رسم المصحف، رسم عثمانی را به کار می‌گیرند که مورد اختلاف است و گفته شده که روش خاص در کتابت قرآن در زمان عثمان قابل اثبات نیست و این مسئله از سوی علمای قرون بعدی مطرح شده است و بر آن اصرار ورزیده‌اند. بنابراین، به سبب قداست آن نبوده، بلکه، به آن خاطر بوده که روش دیگری جز آن شناخته شده و معمول نبوده است (غانم قدوری حمد، ۱۴۰۲ق، ۱۵۵؛ مستفید،

۳. خط قیاسی به نگارش صورت ملفوظ کلمه بر اساس تک تک حروف آن با فرض بر اینکه از آن کلمه ابتداء نموده و بر آخر آن وقف شود، گویند (دلیل الحیران، ۲۴؛ سمیرالطالین، ۲۰)

۱۳۹۶ش، ۲۷). با این وجود، عده‌ای معتقدند پایه‌های رسم المصحف در زمان عثمان گذاشته شده و به دستور او بوده که قرآن را به گونه‌ای بنویسند که تحمل قرائات مختلف را داشته باشد (فضلی، ۱۴۳۰ق، ۳۵). به تصریح علما، آنچه در مصاحف قرآنی کتابت شده، مبتنی بر رسم المصحف بوده است و در این خصوص آثاری از سوی ابوعمرو دانی، ابوداود سلیمان بن نجاح و مهدوی بر جای مانده است. اما مطالعه و تحقیق در مصاحف کهن تا کنون نشان داده است که مصاحفی که از قرون اولیه بر جای مانده و مورد پژوهش پژوهشگران قرار گرفته، با رسم و املائی امروزی که به رسم المصحف مشهور است، هر چند اندکی تفاوت دارد و مطابقت کامل ندارد (به‌ویژه در حذف و زیادت الف و نیز واو و یاء و همچنین کتابت همزه نمونه‌های فراوانی از تغایر به چشم می‌خورد)، اما در اکثر مواضع مطابق با همان شیوه‌هاست.

طرح مسأله

شواهد نشان می‌دهد که کتابت کمتر از نطق دست‌خوش تحول شده است. به‌طوریکه که گاه تلفظ کلمه‌ای تغییر می‌یابد در حالیکه نگارش و رسم آن بدون تغییر می‌ماند (غانم قدوری، ۱۴۰۲ق، ۱۱). به نوشته فرانسوا دروش، مطالعات میکله آماری متوجه این نکته است که روایت‌های مکتوب کهن، افزون بر اینکه با خطی بسیار خاص (حجازی) کتابت شده‌اند، بر اساس قواعد املایشان شناخته می‌شدند. آماری تعبیر جالبی برای املاء آن دوره به کار می‌برد. از نگاه او، کتابت در آن دوره چونان «جنگی بی‌امان علیه الف» بود (دروش، ۱۳۹۴ش، ۵۲-۵۳). بعد از او، تعبیر «رسم ناقص» از سوی رژی بلاشر مطرح شد. به گفته بلاشر، رسم الخط عربی به دلیل نداشتن اعراب یا مصوت‌های کوتاه، فی نفسه، ناقص است و دارای نقص کتابت است. مثلاً صدای بلند «آ» یا «ی» به‌درستی نوشته نمی‌شود و یکدست نیست و همچنین نقطه‌گذاری، اعجام، اعراب ناهمگون است (بلاشر، ۱۳۷۶ش، ۱۶-۱۸). بنابراین، تغییراتی که در خصوص رسم رخ داده، اگرچه نسبت به قرائات کمتر رخ داده، اما قابل تأمل است و محققان را جهت فهم قواعد رسم در هر دوره رهنمون می‌سازد.

علمای علم رسم در نگارش مصاحف قواعدی تنظیم کرده‌اند؛ آنها بر اساس ویژگی‌های مصاحف کهن، این قواعد را استخراج کرده‌اند تا به رسم المصحف یا به تعبیر دیگر، رسم الخط عثمانی دست یابند. در مقابل رسم عثمانی، رسم دیگری بعدها رایج شد که از آن با نام رسم قیاسی یا رسم املائی یاد می‌شود و وجه تمایز آن با رسم عثمانی کاستی و زیادت آن در نگارش برخی حروف است که رسم عثمانی را خاص و ویژه معرفی می‌کند.

در این پژوهش برآنیم تا ویژگی‌های رسم یکی از قدیمی‌ترین مصاحف را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم و برای تبیین بهتر در نظر است رسم الخط آن را با قواعد رسم المصحف مقایسه کنیم؛ بدین منظور مقایسه‌هایی میان رسم الخط این مصحف با مصحف قاهره یا امیری و لیبی صورت دادیم. نمونه‌ای از پژوهش‌هایی از این دست می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی رسم الخط مصحف تاشکند با قواعد و نقل‌های تاریخی رسم المصحف» اشاره داشت که نویسندگان آن کوشیده‌اند رسم کلمات مصحف تاشکند را که منسوب به خلیفه سوم است با نقل‌های شیخین مقایسه کرده و میزان انطباق گزارش‌های رسم المصحف را با رسم الخط این مصحف مورد ارزیابی قرار دهند (نک: محمدی انویق، ۱۴۰۰ش، صص ۱۳۲-۱۵۰). پژوهش در این اسناد کهن شیوه‌های کتابت را در دوره‌های متقدم به‌نحوی ملموس بازمی‌تاباند و معلوم می‌کند قواعدی که عالمان رسم بر اساس مصاحف کهن بنیان نهاده‌اند تا چه اندازه با مصاحف کهن در دسترس هم‌خوان است.

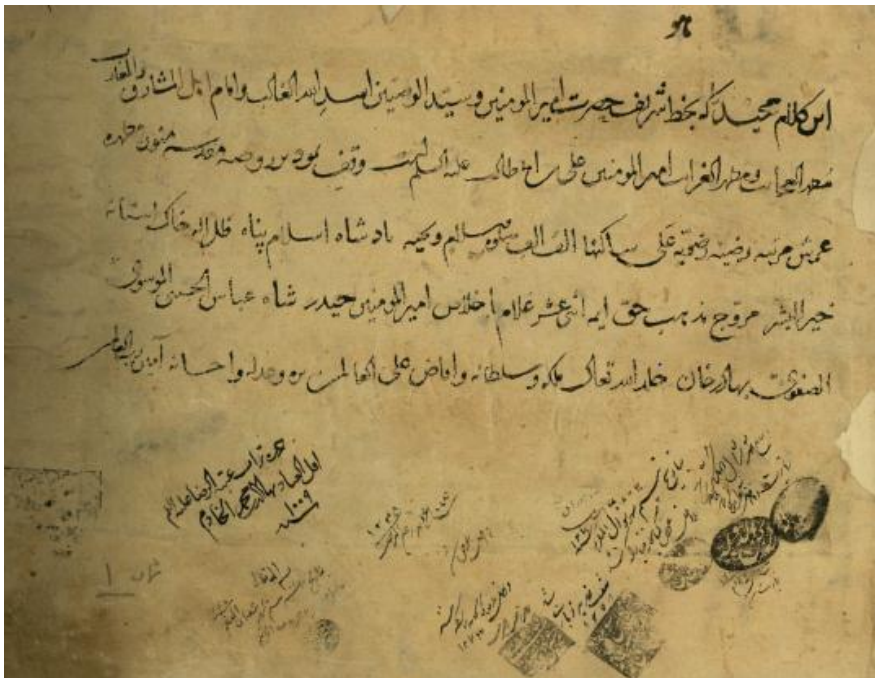
گنجینه قرآن‌های کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مهمترین و غنی‌ترین گنجینه قرآنی است که بخش اعظمی از نسخه‌های کهن قرآنی در آنجا نگهداری می‌شود. مصحف مشهد به شماره ۱ که از گنجینه‌های ارزشمند در این کتابخانه است، در مقایسه با نسخه‌های به جا مانده دیگر کامل و منحصر به فرد محسوب می‌شود و دربردارنده ویژگی‌های متعددی است؛ مواردی چون قرائات، رسم الخط، عدالای یا شمارش آیات، اسامی سوره‌ها و ترتیب آنها همگی از خصوصیات قابل تحقیق در این نسخه هستند. آغاز این مصحف با سوره حمد و پایانش با سوره ناس کتابت شده است. مهمترین پژوهشی که تا کنون بر روی این نسخه صورت گرفته با همکاری طیار آلتی قولاج، حمیدرضا مستفید و مرتضی توکلی به سفارش مرکز طبع و نشر قرآن بوده است. در این پژوهش علاوه بر خوانش مصحف و اشاره به اختلافات رسم، قرائات، عدالای و موارد دیگر در پاورقی‌ها، دو مقدمه به زبان فارسی و عربی نگاشته شده و این خصوصیات را برای خوانندگان ترسیم کرده است. اما آنچه که مقاله حاضر را متمایز می‌کند پژوهش مبسوط پیرامون شیوه رسم در این مصحف و مقایسه آن با آرای شیخین است.

این پژوهش در سه بخش تنظیم شده است؛ در بخش نخست، به معرفی اجمالی نسخه پرداخته خواهد شد، سپس در بخش دوم با استفاده از مباحث خط‌شناسی، زمان کتابت نسخه تخمین زده خواهد شد و در نهایت، در بخش سوم و پایانی ویژگی‌های رسم این مصحف به تفصیل تبیین خواهد شد.

الف- معرفی

۱. تاریخ و پیشینه

در نخستین صفحه از مصحف شماره ۱ آستان قدس رضوی، وقف‌نامه‌ای (تصویر ۱) با خط خوانا و زیبای نسخ به چشم می‌خورد. شیخ بهاء‌الدین در سال ۱۰۰۹ این قرآن را از سوی شاه عباس صفوی بر حرم مطهر رضوی وقف کرده است. لذا این نسخه تا پیش از این در جایی دیگر قرار داشته است. در انتهای نسخه و در پایان صفحه‌ای که سوره ناس کتابت شده نیز، عبارتی مبنی بر اینکه این نسخه بدست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام کتابت شده، چشم‌نوازی می‌کند. دلایلی وجود دارد که این انتساب را ضعیف می‌کند؛ از جمله مهمترین دلایل می‌توان به نوع خطی که این مصحف نگاشته شده و نیز قطع بیاضی مصحف، اشاره داشت. همچنین خطاهای نگارشی موجود در مصحف انتساب آن را به معصوم ضعیف می‌کند. برای تحکیم ادله می‌توان به مصاحف دیگری نیز اشاره کرد که این عبارت در ابتدا یا انتهای آنها درج شده است. مانند: مصحف شماره ۴۵۸ کتابخانه موزه کاخ توپقابی، مصحف کتابخانه «الجامع الکبیر» صنعاء، مصحف المشهد الحسینی در قاهره. آلتی قولاج ضمن تحقیق حول این مصحف اظهار می‌کند که نمی‌توان با اطمینان این انتساب را رد یا اثبات نمود و معتقد است که این مصحف می‌تواند از روی مصاحفی که منتسب به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، استنساخ شده باشد (آلتی قولاج، مصحف شریف منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۲۷-۲۸).



تصویر ۱: وقف‌نامه مصحف مشهد به سال ۱۰۰۹

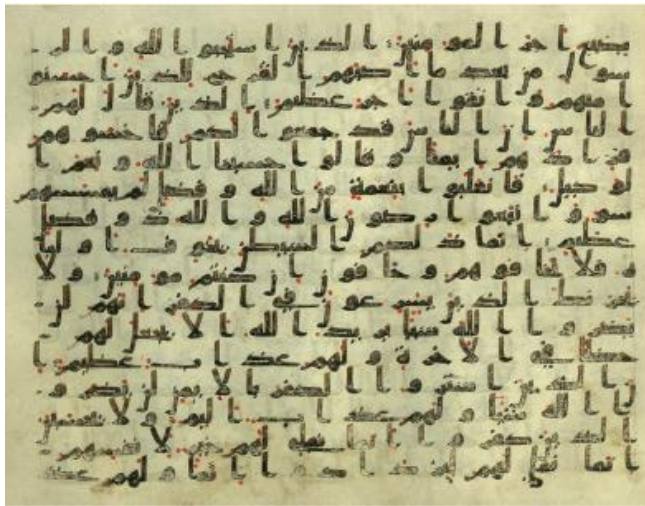
۲. توصیف کلی

این نسخه از قرآن در یک مجلد در قطع افقی با اندازه اوراق ۳۲ در ۲۵ سانتی‌متر و با ضخامت ۱۰ سانتی‌متر به روی پوست گاو نگاشته شده است. مساحت بخش مکتوب در هر برگه ۲۶ در ۲۰ سانتی‌متر است. این نسخه با ۳۴۱ برگه و ۶۸۰ صفحه یکی از مشهورترین نسخه‌های کهن قرآنی به‌شمار می‌آید. اگر برگه‌های معدود مفقودشده در این نسخه را در نظر نگیریم، می‌توان گفت که این نسخه یکی از نسخه‌های تقریباً کامل به حساب می‌آید. این برگه‌ها که در مجموع ده برگ شمارش شده‌اند، معادل ۲,۹۴ درصد از کل برگه‌های مصحف هستند (آلتی قولاج، مصحف شریف منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۵). شش برگه از اواسط سوره آل عمران (از آیه ۷۷ تا ۱۵۷) و چهار برگه از سوره نحل (از آیه ۳۰ تا ۸۹) در حال حاضر مفقود است.

کتابت این نسخه به خط کوفی صورت گرفته و به‌نظر می‌رسد کار به دست یک کاتب آغاز و به انجام رسیده باشد. زیرا با خطی یکدست و یکنواخت کتابت شده است. گرچه دو صفحه آغازین و دو صفحه پایانی از نظر صفحه‌آرایی و تزئینات صفحه و حتی مرکب به کار رفته، به شکلی دیگر تدارک دیده شده است، اما احتمال حضور کاتب دیگر در این بخش‌ها بعید است و بیشتر اینگونه به ذهن متبادر می‌شود که کاتب به منظور بیان جایگاه سور آغازین و پایانی، این چنین متفاوت عمل کرده است. اما ردپای کاتبی ناآشنا در سراسر این مصحف را نیز که اقدام به حذف و زیادت برخی واژگان به‌ویژه الف کرده است، نمی‌توان از نظر دور داشت. چندان مشهود نیست که کاتب ناآشنا همان کاتب اول بوده یا کاتبی دیگر در قرون بعدی. اما آنچه واضح است، تفاوت قلم و جنس مرکب است. علاوه بر اینها، فرسودگی ناشی از رطوبت نیز سبب شده تا برخی کلمات و سطور با مرکبی دیگر به دست کاتبی متأخرتر ترمیم شود.

روی هم رفته، کتابت این مصحف به‌شکل پیوسته انجام شده است. ظاهراً پیوسته‌نویسی در مصاحف حجازی و کوفی همواره مرسوم بوده است. در شیوه پیوسته‌نویسی میان حروف نظمی برقرار است و حروف با نظم خود در صفحه پراکنده‌اند. در واقع، کاتب حروف را بدون توجه به میزان فضای موجود در هر سطر با فاصله‌ای تقریباً مساوی در کنار هم می‌چیند و به‌همین خاطر مجبور می‌شود گاه کلمه‌ای را که به پایان یک سطر مختوم می‌شود، بشکند و بخشی را به سطر بعدی منتقل کند و حتی ابایی ندارد که بخشی از کلمه را به صفحه بعد منتقل کند (کریمی -

نیا، ۱۳۹۹ش، ۱۱۸). این مسئله در مصاحف کهن قرآنی اعم از حجازی یا کوفی مشهود است.^۴ برخی از این نمونه‌ها در مصحف مشهد (۱) به قرار زیر هستند: انفسکم (البقره/۲۳۵)، الرسول (النساء/۵۹)، ادخلوا (المائدة/۲۳)، کانوا (الاعراف/۶۴). جالب است که در نسخه‌های کوفی حتی این انتقال به صفحه بعد هم به وفور اتفاق می‌افتد. به برخی نمونه‌هایی که در مصحف مشهد (۱) چنین کتابت شده‌اند، نگاه کنید: إلا (البقره/۲۳۷)، عذاب (آل عمران/۱۷۸)، احسن (النساء/۵۹)، لزیها (یوسف/۳۰)، یعدکم (غافر/۲۸)، کذلک (غافر/۳۵) و بسیاری موارد دیگر. تصویر شماره ۲ که شامل آیات ۱۷۱ تا ۱۷۸ از سوره آل عمران است، نمونه‌ای از بی‌شمار نمونه‌ها در این مصحف است که پیوسته‌نویسی در آن به وضوح پیداست: الرسول: سطر اول، احسنوا: سطر دوم، الوکیل: سطر پنجم، اولیاء: سطر هشتم، ان: سطر دوازدهم، یضروا: سطر سیزدهم، عذاب: سطر آخر که فقط «عذ» آن در این صفحه کتابت شده و «اب» در صفحه بعدی آمده است.



تصویر ۲: آیات ۱۷۱-۱۷۸ آل عمران: نمونه‌ای از پیوسته‌نویسی

اعراب‌گذاری در نسخه شماره ۱ مشهد به شیوه ابوالاسودی است. دایره‌هایی قرمز رنگ در زیر و زبر و مقابل حروف نشان‌دهنده علامت کسره، فتحه و ضمه در شیوه ابوالاسودی است. تنوین نیز با علامت دو نقطه کنار هم نشان داده شده است. اما به کارگیری رنگ دیگری در این نسخه مرسوم نیست. این علائم قرمز رنگ گاه نشانگر علامت همزه یا اماله یا اشباع میم جمع بوده که در سراسر نسخه بسیار به کار برده شده است.

۴. در مقاله‌ای که مرتضی کریمی‌نیا در معرفی مصحف نجف تألیف کرده، به این خصوصیت در مصحف نجف اشاره

شده است (نک: کریمی نیا، ۱۴۰۰ش، ۱۲۸).

افزون بر مطالب یادشده، توجه و دقت نظر بالای کاتب را نباید از نظر دور داشت. به جز یک مورد افتادگی که به وضوح مسلم است کاتب دچار خطای دید شده است؛^۶ در سراسر مصحف افتادگی دیگری رخ نداده است.

ب- خط‌شناسی^۶

در نوشته‌های کهن متداول نبوده که مشخصات کتاب مانند امروز در شناسنامه‌ای درج شود و به نظر می‌رسد اشاره‌های معدود و محدودی هم که وجود دارد، اغلب جعلی است. شناسایی خط و سبک نگارش در مطالعات محققان جدید، به ویژه غربیان، به تشخیص اینکه نسخه به چه دوره‌ای متعلق است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محققان غربی با مطالعاتی که از اواخر قرن هجدهم به روی خطوط خوشنویسی انجام داده‌اند سبک‌های اولیه را «حجازی» و پس از آن را «کوفی» نامیده‌اند (دروش، ۱۳۷۹ش، ۳۴). فرانسوا دروش^۷ از محققان غربی است که با بررسی دست‌خط‌ها و ارتباطی که بین گونه‌های مختلف خط‌ها وجود دارد کوشیده تا به مطالعات خط‌شناسی قوام بخشد. او بر این عقیده است که برای انتخاب یک اسم عام که بتواند تمام گونه‌های سبک پس از حجازی را شامل شود، نمی‌توان به یک منطقه جغرافیایی خاصی اشاره کرد و اطلاعات اندک درباره ارتباط بین تنوع دست‌نوشته‌ها با زمان و مکان خلق آنها، سبب شده که او نام «عباسی» را برای دست‌نوشته‌های پس از حجازی برگزیند (اگرچه معتقد است برخی از روش‌ها و شیوه‌های نگارشی که بینین و یا نزدیک به سبک عباسی است، قبل از حکومت عباسیان خلق شده است). طبیعی است که سبک‌های عباسی از منظر دروش گوناگون‌اند. او معتقد است شناخت سلسله مراتب رشد کیفی و تحول تمامی روش‌های سبک عباسی با دست‌نوشته‌های مخدوش کنونی میسر نیست. لذا، به منظور طبقه‌بندی روشی را انتخاب کرده تا در آن برای یافته‌های آتی نیز جای خالی منظور شده باشد. او با تلفیق عدد و حروف یک تقسیم‌بندی ارائه کرده است. شیوه‌های اصلی را در شش گروه A.B.C.D.E.F قرار داده و زیرگروه‌ها را با افزودن اعداد رومی طبقه‌بندی کرده است و اگر زیرگروهی دارای گوناگونی متعدد بوده، با افزودن حرفی کوچک بعد از عدد رومی آن را متمایز کرده است (دروش، ۱۳۷۹ش، ۳۵).

۵. در این خصوص به آیات ۴۴-۴۶ از سوره کهف مراجعه کنید.

۶. palaeography

۷. Francois Deroche

۱. نوع خط در مصحف شماره ۱

مقایسه دست‌خط مصحف شماره ۱ مشهد با آنچه در روش طبقه‌بندی کرده، نشان می‌دهد نوع دست‌خط مصحف مزبور مطابق با گروه B.II در تقسیم‌بندی دروش است. در مصحف شماره ۱ مشهد، ویژگی‌های اصیل سبک B.II را می‌توان به وضوح دید. این سبک علاوه بر ساختار و طرح حروف از نظر شیوه صفحه‌آرایی نیز قابل تشخیص و تمییز است. در این سبک معمولاً نوشته‌ها کوچک هستند. به‌نوشته دروش یک دست‌نوشته مطلوب سبک B.II، ۱۶ سطر دارد (دروش، ۱۳۷۹ش، ۵۴) که در مصحف شماره ۱ مشهد نیز تعداد سطور همین تعداد است. در این مصحف هر دسته ده‌تایی با طرحی استادانه مشخص شده است. نگارش حروف در این مصحف با آنچه دروش به‌عنوان خصوصیت این دسته برشمرده، به شرح ذیل است:

حرف «الف» همیشه قائم است و در حالت مفرد دم‌ی کوتاه و قلاب مانند دارد.



تصویر ۳: حرف «الف»

حروف «ج»، «ح»، «خ» در حالت وسط، شبیه میلی مورب است که خط کرسی را قطع می‌کند. در حالت آخر، دم حرف پیش از برگشت به عقب در امتداد خود اندکی ضخامت گرفته، در موازات کرسی قرار دارد.



تصویر ۴: حروف «ج»، «ح»، «خ»

حرف «ع» در حالت وسط، دو شاخک کاملاً متمایز بوده و شاخک سمت راست کاملاً عمودی است. در حالت آخر دم حرف قوس ملایمی به سمت راست دارد. به گزارش دروش، قلاب حرف در حالت اول، نسبتاً شبیه حروف «ب» و «ف» بوده و در انتها مسطح می‌شود، اما در نسخه مشهد مشاهده می‌شود که تغییراتی در نگارش «ع» رخ داده و کاتب دیگری با قلمی متفاوت با ظرافت کامل دنباله‌ای کوچک به‌شکل منحنی به ابتدای قلاب زبرین افزوده است. در نمونه‌هایی که در تصویر ذیل آمده است این تغییرات به وضوح قابل مشاهده است.



تصویر ۸: حرف «ن»

حرف «ه» تکیه به میل اصلی داشته و به گفته دروش مانند خط حجازی به چپ متمایل است. در حالت اول و وسط به صورت باز و با ضخامت بر خط کرسی قرار می‌گیرد که این حالت به وسیله خطی که چشم حرف را بر دو نیم تقسیم کرده، مشخص می‌شود.



تصویر ۹: حرف «ه»

«لا» شکلی ضربدر مانند دارد که بازوی حرف لا با الف برابر است. قوس و انحنا در این نمونه‌ها خصوصاً در حرف لام اندک است و کمی انحنا در الف دیده می‌شود. در حالت مفرد خط قاعده نامتقارن است



تصویر ۱۰: حرف «لا»

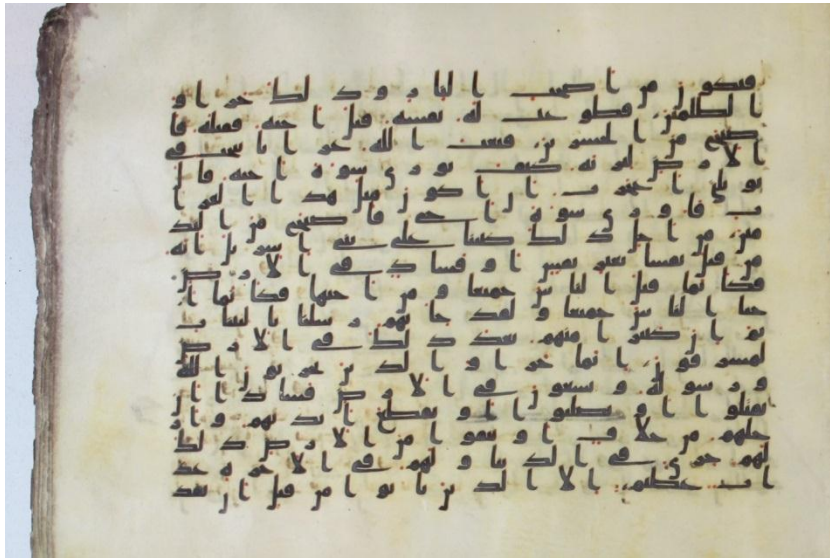
۲. نسخه‌هایی با خطی مشابه

حال که مشخص شد خطوط این مصحف در دسته B.II از طبقه‌بندی دروش قرار دارد، جا دارد چند نمونه دیگر را که به همین سبک کتابت شده و در همین دسته قرار می‌گیرد و بسیار محتمل است در یک بازه زمانی نگارش شده‌اند، معرفی کرد.

۱. بخش‌هایی از قرآن با شماره فهرست KfQ 13 و KfQ 14 در مجموعه هنر اسلامی متعلق به ناصر خلیلی به سبک B.II کتابت شده و نیز رقعته‌ای دیگر از همین قرآن در کتابخانه ملی پاریس با شماره فهرست F 34 نگهداری می‌شود.

۲. قرآنی در چند رقععه به شماره فهرست QUR 80 و QUR 48 در مجموعه هنر اسلامی متعلق به ناصر خلیلی به همین سبک کتابت شده است.

۳. قرآنی به شماره فهرست ۳۵۴۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی مطابق سبک B.II کتابت شده است.



تصویر ۱۱: قرآن با شماره ۳۵۴۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی

ج- ویژگی‌های رسم

ویژگی‌ها و قواعدی که مصحف مشهد بر اساس آن نگارش یافته، و در این پژوهش مورد توجه بوده، با مقایسه با آراء شیخین بدست آمده است. مراد از شیخین ابوعمرو عثمان بن سعید دانی (۳۷۱-۴۴۴ق) و شاگرد او ابوداود سلیمان بن نجاح (۴۱۳-۴۹۶ق) است.^۸ در این مقایسه، شیوه کتابت، اغلب، با نقل‌های شیخین همانند است. این مشابهت‌های بسیار نکته حائز اهمیتی است، که اعتبار نقل‌های شیخین و نیز این مصحف را افزون می‌کند. ولی به هر حال از اختلافاتی که در این بین به چشم می‌خورد نیز، نباید اغماض کرد. نزدیک به ۲۰۰۰ اختلاف یافته شده با آراء شیخین یا یکی از آنها، این پژوهش را به سمت و سویی می‌کشاند که با مطالعه دقیق پیرامون اختلافات، ویژگی‌های خاصی را برای مصحف مشهد برشمارد.

این ویژگی‌ها در این پژوهش به چهار دسته تقسیم و به شرح ذیل خلاصه شده‌اند: دسته اول به مواردی اشاره می‌شود که با نقل‌های شیخین هم‌خوان است. دسته دوم و سوم مواردی را در بر دارد که با نقل یکی از شیخین هم‌خوان است و دسته چهارم کلماتی را شامل می‌شود که با نقل‌های شیخین هم‌خوان نیست.

۸. در انتهای مصحف شریف امیری به اصطلاح شیخین در خصوص ایشان تصریح شده است.

دسته اول: کلمات هم‌خوان با نقل‌های شیخین

برخی حروف مطابق نظر شیخین حذف شده‌اند؛ مانند: الف، یاء، واو، لام و نون. گاه نیز به زیادت کتابت شده‌اند و گاه تبدیل به حرف دیگری شده است. تحقیق پیرامون نسخه مشهد نشان می‌دهد که اگرچه تفاوت میان نقل‌های شیخین و این مصحف کم نیستند اما، شیوه کتابت کاتب در این نسخه با بسیاری از نقل‌های شیخین هم‌خوان است. در این قسمت نمونه‌هایی از این جنس را به‌عنوان شاهد مثال معرفی خواهیم کرد:

۱- حذف الف: الف گاه قاعده‌مند و گاه بدون آنکه تحت قاعده خاصی قرار گیرد در کتابت این مصحف حذف شده است.

۱-۱- حذف الف در هاء تنبیه

شیخان متفق‌اند که بعد از هاء تنبیه الف حذف می‌شود (ابوعمر، ۱۶/۴۳۱ق، ۱۶، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۱۷، ارکاتی، بی تا، ۳۳/۲). در نسخه مزبور نیز، اغلب، هاء تنبیه بدون الف کتابت شده است؛ برای مثال نک به: ههنا^۹ (الشعراء/۱۴۶؛ المعارج/۳۵)، هانتم (النساء/۱۰۹؛ محمد/۳۸؛ آل عمران/۶۶)، هذا (القصص/۱۵؛ سبأ/۴۳؛ الانعام/۷۸)، هذه (النساء/۷۸؛ البقره/۲۵۹؛ الاعراف/۱۶۱).



تصویر ۱۲: حذف الف در هاهنا

۱-۲- حذف الف در یاء نداء

در یاء نداء نیز شیخین بر حذف الف اتفاق نظر دارند (ابوعمر، ۱۶/۴۳۱ق، ۱۶، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۰۲-۱۰۱). در نسخه مشهد نیز به حذف الف کتابت شده است؛ برخی از نمونه‌ها از این قرارند: یقوم (البقره/۵۴، الانعام/۷۸، هود/۸۹، الاعراف/۹۳، الصف/۵، طه/۵، الزخرف/۵۱)، یعبادی (الزمر/۵۳)، یا ولی (البقره/۱۷۹)، یابت (یوسف/۴، ۱۰۰، مریم/۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، القصص/۲۶)، یاسفی (یوسف/۸۴).



تصویر ۱۳: حذف الف در یا قوم

۹. در یک مورد ظاهراً کاتب از شیوه خود عدول کرده و الف را نگاشته است (نک به: هاهنا در المائده/۲۴)

۳-۱- حذف الف از ضمیر متصل «نا»

حذف الف از ضمیر متصل «نا» زمانی رخ می‌دهد که بعد از آن ضمیر دیگری واقع شده باشد. بر اساس نظر شیخین نمونه‌های فراوانی از این قاعده در قرآن وجود دارد و شیخین بر آن اتفاق نظر دارند مانند: «أَجِيبْكُمْ»، «فَأَعْوَبْكُمْ»، «مَكَّنْكُمْ»، «مَكَّنَهُمْ»، «أَتَيْنَهُ»، «عَلَّمْنَاهُ»، «أَتَيْنَاكُمْ»، «أَرْسَلْنَاكُمْ» و «أَتَيْنَاهَا» و «فرشناها» و «ففهمناها» و انشأهن " و " فجعلنهن "... (برای موارد بیشتر نک: ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۱۷). برخی نمونه‌ها در مصحف شماره ۱ مشهد که مطابق این قاعده الف حذف شده است، از این قرار است: ارسلاک (الرعد/۳۰، الاسراء/۵۴، ۱۰۵، الانبياء/۱۰۷)، الفرقان/۵۶، الاحزاب/۴۵، سبأ/۲۸، مکنکم (الاحقاف/۲۶، الاعراف/۱۰۹)، رزقنهم* (نک: انفال/۳، یونس/۹۳، رعد/۲۳، ابراهیم/۳۱، اسراء/۷۰، حج/۳۵، قصص/۵۴، سجده/۱۶، فاطر/۲۹، شوری/۳۸، جائیه/۱۶).



تصویر ۱۴: حذف الف در ارسلاک

۲. حذف واو

بر اساس قاعده، هر گاه واو بعد از واو مدی قرار گیرد و واو دوم مسکون باشد، در نتیجه واو دوم حذف می‌شود. نمونه‌های زیر در این نسخه بر اساس همین قاعده حذف واو صورت گرفته است: داود (البقره/۲۵۱، النساء/۱۶۳، الانبياء/۷۸، الانعام/۸۴)، الغاون (الشعراء/۹۴، ۲۲۴)، یستون (التوبه/۱۹، سجده/۱۸). و نیز حذف واو از آخر برخی افعال، مانند: یدع (الاسراء/۱۱)، یمح (الشوری/۲۴).

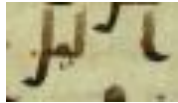


تصویر ۱۵: حذف واو در داوود

۱۰. این واژه در قرآن ۱۳ بار تکرار شده است. در مصحف امیری و لیبی همگی بدون الف و مطابق این قاعده است ولی در مصحف شماره ۱ مشهد، اگر از یک مورد افتادگی در نسخه چشم‌پوشی کنیم (نحل/۵۶)، یک مورد استثناء دیده می‌شود که کاتب نسخه بر خلاف رویه‌اش این واژه را با الف و به صورت رزقناهم نگاشته است (نک: البقره/۳). البته این نکته را باید در نظر داشت که امکان دارد الف بعداً اضافه شده باشد.

۳. حذف لام

کلماتی چون الیل (الحج/۶۱، الحديد/۶)، الذان (النساء/۱۶)، آتی (یوسف/۸۲) مطابق نظر شیخین، تنها با یک لام کتابت شده‌اند. مشاهده می‌شود که در نسخه مشهد نیز حذف لام در این کلمات صورت گرفته و کتابت آنها با یک لام انجام شده است.



تصویر ۱۶: حذف لام در الیل

۴. زیادت الف

در کلیه اسامی جمع مذکر سالم یا ملحق به آن، در حال حذف نون، بعد از واو، الف اضافه می‌شود (مستفید، ۱۳۹۶ ش، ۹۲)؛ بنوا اسرائیل (یونس/۹۰) یکی از این نمونه‌هاست که هم مورد اتفاق نظر شیخین است (ابوعمر و، ۱۴۳۱ ق، ۲۸) و هم مطابق رسم در این نسخه. و نیز مطابق نظر شیخین، بعد از همزه‌ای که به روی واو نوشته می‌شود، الف افزوده می‌شود که در این نسخه هم بر همین منوال است: تَفْتَتُوا (یوسف/۸۵)، العَلْمُوا (فاطر/۲۸).



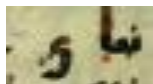
تصویر ۱۷: زیادت الف

همچنین برخی افعال ناقص نیز، هم بر اساس نظر شیخین و هم شیوه کتابت این نسخه به زیادت الف کتابت می‌شود. برای مثال اشکوا (یوسف/۸۶)، یربوا (روم/۳۹)، یدعوا (البقره/۲۲۱) نمونه‌هایی از این دست هستند.

در خصوص واژه‌هایی مانند مائه (البقره/۲۵۹، ۲۶۱، الصافات/۱۴۷، الکهف/۲۵، النور/۲)، لااذبحنه (النمل/۲۱)، الربوا (البقره/۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، النساء/۱۶۱) نیز همین اتفاق افتاده است و به زیادت الف در این مصحف و مصحف امیری نگاشته شده‌اند. اما باز هم دوگانگی در رویه کاتب مشهود است. مثلاً منه در (الانفال/۶۵، ۶۶)، متین در (الانفال/۶۵، ۶۶) نمونه‌هایی از اختلافات رسم این واژگان هستند که در این نسخه بدون الف کتابت شده‌اند.

۵. زیادت یاء

به تصریح شیخین، واژه «نبأی» در انعام/۳۴ به زیادت یاء نگاشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۴۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۰۲). در نسخه مزبور نیز کاتب این واژه را به زیادت یاء کتابت کرده است.



تصویر ۱۸: زیادت یاء در نبأی

۶. بدل

مطابق قاعده شیخین در کلماتی چون «صلوة، زکوة، حیوة» در هر جای قرآن که قرار گیرند و همچنین کلماتی مانند النجوة (غافر/۴۱)، مشکوة (نور/۳۵)، منوة (نجم/۲۰)، بالغدوة (انعام/۵۲)، كهف/۸ الف به صورت واو نگاشته می‌شود. کاتب نسخه مشهد نیز در تمامی این موارد الف را به صورت واو کتابت کرده است. بعضی از نمونه‌ها از این قرارند: کلمة الصلوة سه مرتبه در (الانعام/۱۰۳)، دو مرتبه در (النور/۵۸)، دو مرتبه در (العنکبوت/۴۵)، یک مرتبه در (البقره/۲۷۷)، کلمة زکوة در (الکهف/۱۸)، الروم/۳۹، مریم/۱۳، البقره/۱۷۷، ۲۷۷)، کلمة مشکوة در (النور/۳۵)، کلمة منوة در (النجم/۲۰)، کلمة النجوة در (غافر/۴۱)، بالغداة (الانعام/۵۲، الکهف/۲۸). همچنین شیخین متفق‌اند تاء تأنیث در برخی کلمات و در مواضع ذکر شده به صورت تاء کشیده نوشته می‌شود که در نسخه شماره ۱ کاتب هم به همین شیوه تاء تأنیث را به تاء کشیده بدل کرده است. برخی نمونه‌ها در این خصوص عبارتند از: کلمة رحمت (البقره/۲۱۸، الاعراف/۵۶، هود/۷۳، مریم/۲)، کلمة نعمت (البقره/۲۳۱، المائدة/۱۱، النحل/۱۱۴، طور/۲۹)، لعنت در (آل عمران/۶۱، النور/۷)، کلمة معصیت در (المجادلة/۸، ۹).



تصویر ۱۹: بدل شدن تاء تأنیث به تاء کشیده در نعمت

نون تأکید خفیفه نیز در کلماتی چون لیکونن و لسنفعن در نسخه مزبور مطابق آراء شیخین به صورت الف نگاشته شده است؛ یعنی به شکل لیکونا (فصلت/۲۹، یوسف/۳۲) و لسنفعا (العلق/۱۵). در این خصوص نمونه‌های دیگری وجود دارد که حرفی به صورت حرف دیگری نگارش شده است که شیخین نیز در آن متفق‌اند.

دسته دوم: کلمات هم‌خوان با نقل‌های ابوعمرو دانی

مواردی در این مصحف به چشم می‌خورد که تنها با مبانی ابوعمرو سازگار است و با نقل‌های ابوداود هم‌خوان نیست. ابوعمرو معتقد است که کلمات مطابق با اوزان ششگانه فَعْلان، فاعِل، فَعْلان، فَعْلان و فَعْلان به اثبات الف نوشته می‌شوند (ابوعمرو، ۱۴۳۱ق، ۲۲). برخلاف او، در برخی موارد ابوداود الف را محذوف می‌داند. برخی نمونه‌هایی که ابوداود ذکر می‌کند از این قرارند: «تَجْرَةً»، «التَّجْرَةَ»، «الرَّزْقِينَ» (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۵/۱۲۰۴).

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ مشهد	ابوعمرو دانی	ابوداود
۱	البقره/۱۰۲، ۲۰۰، آل عمران/۷۷	خَلَقِ	خَلَقِ	خَلَقِ
۲	ابراهیم/۴، الجاثیه/۵۹، القیامه/۱۶، المائده/۷۸، النحل/۱۰۳، مریم/۵۰، طه/۹۷، الشعراء/۸۴	لِسَانِ ^{۱۱}	لِسَانِ	لِسِنِ
۳	انبیاء/۷	رِجَالًا	رِجَالًا	رِجَالًا
۴	بنی اسرائیل/۴۹، ۹۸، المؤمنون/۲۳	عِظَامًا	عِظَامًا	عِظَمًا

و همچنین ابوعمرو معتقد است هر کلمه‌ای که الف آن از ریشه اصلی کلمه نباشد و زائد بر بناء

یا منقلب از یاء یا واو باشد، به اثبات الف نوشته می‌شود (ابوعمرو، ۱۴۳۱ق، ۲۲)

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱	ابو عمرو دانی	ابوداود
------	----------------	--------------	---------------	---------

۱۱. در مواردی از این مصحف این واژه بدون الف و سازگار با مبانی ابوداود کتابت شده است (نک: القصص/۳۴،

الاحقاف/۱۲، الشمس/۹)

واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن

		آستان قدس		
۱	بقره/۱۶	تِجَارَتُهُمْ	تِجَارَتُهُمْ	تِجْرَتُهُمْ
۲	بقره/۲۰ (دو مرتبه)، المعارج/۴۴، القلم/۴۳	أَبْصَارُهُمْ	أَبْصَارُهُمْ	أَبْصَرُهُمْ

همزه

در زبان عربی، نگارش همزه به شکل های متفاوتی است. گاه به شکل الف، گاه واو و گاه یاء. در این خصوص نیز گاه میان شیخین اختلاف نظر وجود دارد. واژه «قرانا» نمونه بارزی برای این اختلاف نظر است. ابوعمرو در مصاحف اهل عراق و غیر آن، این دو موضع را به اثبات الف ذکر کرده است (ابوعمرو، ۴۳۱ق، ۱۹) و این در حالی است که این واژه به نقل از ابوداود در دو موضع (نک: یوسف/۲؛ الزخرف/۳) بدون الف نگاشته می شود (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/ ۷۰۵-۷۰۶). کتابت همزه در این نسخه و در این مثال به همراه الف و به شکل قُرَانًا کتابت شده است؛ همانگونه که ابوعمرو توضیح داده است.

دسته سوم: کلمات هم خوان با نقل های ابوداود

گفته شد که ابوعمرو در اوزان ششگانه فَعَال، فِعال، فاعِل، فَعَلان، فُعَلان و فِعَلان معتقد است که باید به اثبات الف نوشته شوند (ابوعمرو، ۴۳۱ق، ۲۲) و در این نسخه هم برخی موارد مطابق این دیدگاه نگاشته شده است. اما در برخی موارد خلاف آن دیده می شود و به نظر می رسد کاتب به شیوه ای کتابت کرده که با نقل ابوداود با این رسم هم خوانی دارد. هرچند بعدها تغییراتی در بعضی کلمات صورت گرفته و الف با قلمی مغایر اضافه شده است و با نقل ابوداود ناهم خوان شده است ولی به استناد نسخه اولیه، آنها را هم خوان با نقل های ابوداود در نظر می گیریم.

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ مشهد	ابوعمرو دانی	ابوداود
۱	بقره/۲۲	فِرْشًا ← فِرَاشًا	فِرَاشًا	فِرْشًا
۲	بقره/۱۹۳	عُدُونَ ← عُدَوَانَ	عُدَوَانَ	عُدُونَ
۳	هود/۱۷، فرقان/۷۴	إِمَمًا	إِمَامًا	إِمَمًا

			احقاف/۱۲،	
۴	الفصص/۳۴، الاحقاف/۱۲، البلد/۹،	لِسِنًا	لِسَانًا ^{۱۲}	لِسِنًا
۵	نوح/۱۹	بِسْطًا	بِسَاطًا	بِسْطًا
۶	الملک/۳، نوح/۱۵	طِبْقًا	طِبَاقًا	طِبْقًا
۷	الجن/۹	شِهْبًا	شِهَابًا	شِهْبًا
۸	الانسان/۵	مِزْجَهَا ←	مِزَاجَهَا	مِزْجَهَا
۹	المرسلات/۲۵	كِفْتًا	كِفَاتًا	كِفْتًا
۱۰	النبا/۱۲	شِدْدًا ←	شِدَادًا	شِدْدًا
۱۱	النبا/۱۳	سِرْجًا ←	سِرَاجًا	سِرْجًا
۱۲	الطلاق/۸، النبا/۲۷، انشقاق/۸	حِسْبًا	حِسَابًا	حِسْبًا

در تشبیه نیز ابوداود به اثبات و حذف الف تشبیه میان اصحاب اشاره کرده است و خود اثبات را اختیار کرده است و گاه نیز در برخی نمونه‌ها سکوت اختیار کرده است (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۱۸۸/۲)، اما مطابق نظر دانی، الف مثنی به حذف است (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۱۷). برای نمونه به «عینان» (الرحمن/۶۶) نگاه کنید که مطابق نظر ابوعمر، و در نسخه امیری با الف کتابت شده و مطابق نظر ابوداود به شکل عینن و به حذف الف کتابت شده است. نمونه دیگر از این دست «نضختان» (همانجا) است که دانی الف تشبیه آن را به حذف می‌آورد (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۱۷) و ارکاتی نیز الف بعد از التاء را محذوف می‌داند (ارکاتی، بی تا، ۱۵۹/۷).

دسته چهارم: کلمات ناهم‌خوان با نقل‌های شیخین

عمده اختلافاتی که میان مصحف شماره ۱ و نقل‌های شیخین یافت شده در این بخش گنجانده شده است.

۱۲. دانی و مهدوی این واژه را به سبب اینکه بر وزن فعال است به اثبات الف دانسته‌اند (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۴۴؛ مهدوی، ۱۴۳۰ق، ۸۴).

۱. اثبات و حذف الف در کلمات بر وزن فاعل

کلمات بر وزن فاعل مطابق نظر شیخان، به اثبات الف باید باشند. از جمله: «جاعِلٌ»، «بطارِدٌ»، و «مَآرِدٌ» و «سَارِبٌ» (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۴۴؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۱۶). مگر در مواردی که شیخین تصریح به حذف کرده باشند. در نسخه مزبور، کاتب همین رویه را پیش برده است اما، گاه مشاهده می‌شود نمونه‌هایی از این دست - بر خلاف نظر شیخین - بدون الف کتابت شده‌اند. جدول ذیل شرحی از برخی نمونه‌هاست.

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ مشهد	مصحف امیری و لیبی
۱	البقره/۳۰، آل عمران/۵۵، فاطر/۱	جعِلٌ	جاعِلٌ
۲	البقره/۶۶	فِرِضٌ	فَارِضٌ
۳	البقره/۹۴، الانعام/۱۳۹	خَلِصَةٌ	خَالِصَةٌ
۴	البقره/۱۵۸	شَكِرٌ	شَاكِرٌ
۵	البقره/۲۳۳	الْوَرِثِ	الْوَارِثِ
۶	البقره/۲۷۳	الْجِهْلُ	الْجَاهِلُ
۷	البقره/۲۸۲	كَتَبٌ	كَاتِبٌ
۸	آل عمران/۱۶۰	غَلَبٌ	غَالِبٌ
۹	الانعام/۷۷	بِزَعًا	بَاذِعًا
۱۰	الانعام/۱۳۵	عَمَلٌ	عَامِلٌ
۱۱	الاسراء/۶۸	حَصِيبًا	حَاصِبًا
۱۲	الاسراء/۷۹	نَفْلَةٌ	نَافِلَةٌ
۱۳	الاسراء/۹۹	قَدِرٌ	قَادِرٌ
۱۴	المائده/۷۳	ثَلِثٌ	ثَالِثٌ
۱۵	هود/۲۹، الشعراء/۱۱۴	بِطَرِدٍ	بِطَارِدٍ
۱۶	الصافات/۱۱	لِزْبٍ	لَاذِبٍ

فاطِرِ	فَطِرِ	الانعام/۱۴، یوسف/۱۰۱، ابراهیم/۱۰، فاطر/۱	۱۷
شاکِرًا	شکراً	النساء/۱۴۷	۱۸
الباطِنِ	البطنِ	الحديد/۳	۱۹
قارِعَةً	قرِعَةً	الرعد/۳۱، القارِعَةُ/۱، ۲، ۳	۲۰
غاسِقِ	غَسِقِ	الفلق/۳	۲۱
حاسِدِ	حسِدِ	الفلق/۵	۲۲

گاه، شیخین در کتابت واژه‌ای در حذف الف اتفاق نظر دارند و البته استثنائاتی نیز قائل شده‌اند. مثلاً واژه کتابت در تمام مواضع بدون الف نگاشته می‌شود به جز چهار موضع (الرعد/۳۸؛ الحجر/۴؛ الکهف/۲۷؛ نمل/۱) (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۲۰، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۶۱-۶۲، ابن وثیق، ۱۴۲۹ق، ۳۷، ارکاتی، بی‌تا، ۳ / ۳۷۹). اما جالب است که کاتب نسخه مشهد هیچ استثنائی در این خصوص قائل نبوده و تمامی این مواضع را بدون الف نوشته است.

گاه نیز اختلاف برعکس است؛ به گونه‌ای است که یکی از شیخین یا هر دو، واژه‌ای را بدون الف ذکر کرده‌اند مثلاً کلمه «وَسِيعٌ»، «وَسِيعَةٌ»، «الْبَلِغَةُ» (نک: ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۲۰۱، ۲۹۶، ۴۱۴، ۳ / ۵۲۲)، اما در این نسخه برخلاف رویه کاتب، الف ذکر شده است.^{۱۳} بدون در نظر گرفتن مواردی که الف الحاقی دارند، این موارد از این قرارند:

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ آستان قدس	مصحف امیری و لیبی
۱	آل عمران/۱۹۱	باطلاً	بطلاً

۱۳. ارکاتی نیز در نثرالمرجان برخی از این نمونه‌ها را نزد اکثریت به اثبات الف دانسته و تصریح به حذف آن نزد جزری کرده است. مانند: واسع در البقره/۱۱۵، ۲۴۸؛ النجم/۳۲؛ واسع در زمر/۱۱(۲۰۷/۱)، ۲۴۸؛ ۲۶۲/۲؛ ۱۲۹/۶؛ ۹۲/۷، عامل در آل عمران/۱۹۵ (نک: ارکاتی، بی‌تا، ۱/۵۳۷)، کاذب در هود/۹۳ (نک: ارکاتی، بی‌تا، ۳/۱۷۰)، باسط در کهف/۱۸ (نک: ارکاتی، بی‌تا، ۴/۱۱۳)

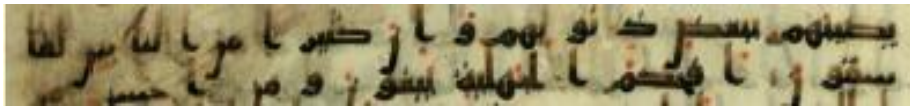
۲	آل عمران، ۱۹۵	عامل	عمل
۳	النساء/۹۷، النساء/۱۳۰، المائده/۵۴	واسع، واسع، واسعا	وسع، وسع، وسعا
۴	الاعراف/۱۸۹، ۱۹۰	صالحا	صلحا
۵	هود/۹۳	كاذب	كذب
۶	الكهف/۱۸	باسط	بسط
۷	الحج/۲۵	العاکف	العکف
۸	الاحقاف/۱۵	والدی	ولدی

در این خصوص، گاه نیز در رویه کاتب و شیخین اتحاد وجود دارد که این موارد نیز قابل توجه‌اند (برای مثال نک به: «مارد» در الصافات/۷). نمونه دیگر وحد (النساء/۱، ۱۱، ۱۷۱) و وحده (النساء/۳، ۱۱، ۱۰۲) است که اغلب بدون الف کتابت شده. اگرچه در نسخه مزبور با الف دیده می‌شود. ولی باید در نظر داشت که اکثر الف‌ها الحاقی هستند و به ندرت، الف از سوی کاتب اولیه نگارش شده است (نک: البقره/۲۱۳، النساء/۴، ۱۰۲، مائده/۷۳، الاعراف/، ۱۸۹، هود/۱۱۸، النحل/۹۳، الانبیاء/۹۲، المؤمنون/۵۲، الفرقان/۳۲).

۲. حذف الف در جمع مذکر و مؤنث سالم

شیخین اتفاق نظر دارند که الف در جمع مذکر و مؤنث سالم باید حذف شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۲۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۲، ۱۰۴، ۲۰۷، ۲۳۸). بعضی نمونه‌ها در جمع مذکر سالم عبارتند از: «الصَّبِرِينَ» و «الصَّبِرُونَ»، «الصَّدِيقِينَ» و «الصَّدِيقُونَ»، «الصَّالِحِينَ» و «الصَّالِحُونَ»، «الْفَسِيقِينَ» و «الْفَسِيقُونَ»، «الظَّالِمِينَ» و «الظَّالِمُونَ»، «الْمُنْفِقِينَ» و «الْمُنْفِقُونَ»، «الْكَافِرِينَ» و «الْكَافِرُونَ»، «الْخَسِرِينَ» و «الْخَسِرُونَ»، «السَّجِدِينَ» و «السَّجِدُونَ» و جمع مؤنث سالم عبارتند از: «وَالْمُسْلِمَاتِ»، «الْمُؤْمِنَاتِ»، «الطَّيِّبَاتِ»، «بَيِّنَاتٍ»، «الْمَتَّصِدِّقَاتِ»، «الْعُرْفَاتِ»، «النَّمْرَاتِ»، «الْبَحِيثَاتِ» و مانند اینها (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۲). در این نسخه، در بسیاری موارد مطابق با دیدگاه شیخین الف حذف شده است. اما، مواردی هم که الف کتابت شده، اندک نیست. گاه، کاتب واژه‌ای را در سراسر مصحف بدون الف کتابت کرده که جنت مصداق بارزی برای این سبک، نگارش اوست و گاه دوگانه عمل کرده است. در معدودی موارد این دوگانگی عملکرد او را می‌توان به این پیوند داد که واژه‌ای در انتهای سطر قرار داشته و کاتب الف را افزوده و باقی کلمه را به سطر بعدی منتقل کرده است. فاسقون یکی از همین

نمونه‌هاست. کاتب در نگارش این واژه در اغلب موارد الف را حذف کرده است (نک به: البقره/۹۹، المائده/۴۷، ۵۹، ۸۱، التوبه/۸، ۸۴، النور/۴، ۵۵، الاحقاف/۳۵، الحديد/۱۶، الحديد/۲۶، الحشر/۱۹) و تنها در دو موضع الف کتابت شده است که هر دوی این مواضع واژه در آخر سطر قرار گرفته است (نک به: المائده/۴۹، الحديد/۲۷). برای نشان دادن مطلب تصویر شماره ۱۱ آورده شده است که «لغا» در انتهای سطر اول و «سقون» در ابتدای سطر دوم گویای مطالب گفته شده است.



تصویر شماره ۲۰: لفاسقون

در ادامه، جدول زیر به برخی از مواردی که کاتب به نگارش الف اهتمام ورزیده، اشاره شده است.

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ مشهد	مصحف امیری و لیبی
۱	بقره/۲۵، عمران/۱۹۵، النساء/۱۳، ۵۷، ۱۲۲، المائده/۱۲، ۸۵، الانعام/۱۴۱، ۹۹، التوبه/۲۱، التوبه/۷۲، ۸۹، ۱۰۰، ابراهیم/۲۴، الحجر/۴۵، الحج/۱۴، ۲۳، المؤمنون/۱۹، الفرقان، ۱۰، الشعراء/۵۷، ۱۳۴، ۱۴۷، یس/۳۴، الدخان/۲۵، ۵۲، محمد/۱۲، الفتح/۵، ۱۷، ق/۹، الذاریات/۱۵، الطور/۱۷، القمر/۵۴، المجادله/۲۲،	جَنَاتِ	جَنَّتِ

واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن

		الصف/۱۲، التغابن/۹، الطلاق/۱۱، التحريم/۸، المعارج/۳۵، نوح/۱۲، المدثر/۴۰، النبأ/۱۶،	
۲	راجعونَ	البقرة/۴۶، الانبياء/۹۳، المؤمنون/۶۰،	رجعونَ
۳	خاسئينَ	البقرة/۶۵، الاعراف/۱۶۶،	حسينَ
۵	العاكفينَ	البقرة/۱۲۵،	العكفينَ
۶	الظالمينَ	البقرة/۱۴۵،	الظالمينَ
۷	بخارجينَ	البقرة/۱۶۷،	بخارجينَ
۸	بيئات	البقرة/۸۷، ۹۹، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۵۳، آل عمران/۱۸۳، النساء/۱۵۳، المائدة/۱۱۰، طه/۷۲، العنكبوت/۳۹، سبأ/۴۳، غافر/۲۲، ۲۸، ۵۰، الزخرف/۶۳، الحديد/۹، المجادلة/۵،	بيئات
۹	التوابينَ	البقرة/۲۲۲،	التوابينَ
۱۰	فاسقونَ	المائدة/۴۹، الحديد/۲۷،	فاسقونَ
۱۱	الصالحينَ	الانعام/۸۵، الاعراف/۱۹۶،	الصالحينَ
۱۲	الظالمينَ	الاعراف/۱۹، مريم/۷۲، الحج/۵۳، القصص/۲۱،	الظالمينَ
۱۳	الناصحينَ	الاعراف/۲۱،	الناصحينَ

١٤	التوبه/٤٧	سَمَاعُونَ	سَمْعُونَ
١٥	التوبه/١٠٠	السَّابِقُونَ	السَّبِقُونَ
١٦	التوبه/١١٢	السَّاجِدُونَ	السَّجِدُونَ
١٧	يونس/٢٤	قَادِرُونَ	قَادِرُونَ
١٨	يوسف/٤٦	بَقَرَاتٍ	بَقَرَاتٍ
١٩	يوسف/٤٤، ٩٢، المؤمنون/١١٨،	الرَّاحِمِينَ	الرَّحِيمِينَ
٢٠	يوسف/٨٠، التين/٨	الْحَاكِمِينَ	الْحَكِيمِينَ
٢١	يوسف/٨٢	صَادِقُونَ	صَادِقُونَ
٢٢	يوسف/٩٧	خَاطِئِينَ	خَطِئِينَ
٢٣	الحجر/٩	حَافِظُونَ	حَفِظُونَ
٢٤	الحجر/٢٠	رَازِقِينَ	رَزِقِينَ
٢٥	النحل/١١٣، الفرقان/٨	ظَالِمُونَ	ظَلِمُونَ
٢٦	الانبياء/٨٩	الْوَارِثِينَ	الْوَرِثِينَ
٢٧	الانبياء/١٠٢	خَالِدُونَ	خَالِدُونَ
٢٨	المؤمنون/١٧	غَافِلِينَ	غَفِلِينَ
٢٩	المؤمنون/٦٠	رَاجِعُونَ	رَجِعُونَ
٣٠	النور/٢١	خُطُوتٍ	خُطُوتٍ
٣١	الشعراء/١٣٦	الْوَاعِظِينَ	الْوَعِظِينَ
٣٢	العنكبوت/٣٩	سَابِقِينَ	سَبِقِينَ
٣٣	الاحزاب/٣٥	الْحَافِظِينَ	الْحَفِظِينَ
٣٤	الصفات/١	وَالصَّافِتِ	وَالصَّفَّتِ
٣٥	الصفات/١٨	دَاخِرُونَ	دَخِرُونَ
٣٦	المنافقون/١	الْمُنَافِقُونَ	الْمُنْفِقُونَ
٣٧	الطلاق/١١	الصَّالِحَاتِ	الصَّالِحَاتِ
٣٨	القلم/٣٢	رَاغِبُونَ	رَغِبُونَ
٣٩	الحاقة/٣٧	الْخَاطِئُونَ	الْخَطِئُونَ

واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن

المُعَصِرَاتِ	المُعَصِرَاتِ	النبا/ ۱۴	۴۰
فَالسَّبِقَاتِ	فَالسَّبِقَاتِ	النازعات/ ۴	۴۱
فَالْمُدْبِرَاتِ	فَالْمُدْبِرَاتِ	النازعات/ ۵	۴۲
سَفَلِينَ	سَافِلِينَ	التین/ ۵	۴۳

در مواردی مشهود است که در نسخه مزبور الف کتابت نشده است و بعداً الف افزوده شده است؛ اینکه این عدم کتابت مطابق با قاعده بوده یا خیر، چندان مشخص نیست. اما آنچه معلوم است این است که با قلمی متفاوت یا توسط همان کاتب یا کاتبی دیگر بعداً به نسخه ملحق شده است. با توجه به اختلاف سبک و نوع نقط احتمال یکی بودن کاتب بعید است و این فرضیه که کاتب دیگری اقدام به افزودن الف کرده باشد، بیشتر با واقعیت انطباق دارد. در جدول زیر به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود.

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ آستان قدس	مصحف امیری و لیبی
۱	بقره/ ۲۲، الاعراف/ ۱۳۰، ابراهیم/ ۳۷،	التَّمْرَاتِ ← التَّمْرَاتِ	التَّمْرَاتِ
۲	النساء/ ۲۷	الشَّهَوَاتِ ← الشَّهَوَاتِ	الشَّهَوَاتِ
۳	النساء/ ۵، ۲۴، ۲۹، الانفال/ ۲۸،	أَمْوَالِكُمْ ← أَمْوَالِكُمْ	أَمْوَالِكُمْ
۴	النور/ ۳۱	أَخَوَاتِكُمْ ← أَخَوَاتِكُمْ	أَخَوَاتِكُمْ
۵	التوبه/ ۸۸، الانبیاء/ ۷۳	الْخَيْرَاتِ ← الْخَيْرَاتِ	الْخَيْرَاتِ
۶	الحجر/ ۱۵	الْوَارِثُونَ ← الْوَارِثُونَ	الْوَارِثُونَ
۷	الانبیاء/ ۹۳	رَّاجِعُونَ ← رَّاجِعُونَ	رَّاجِعُونَ
۸	الانبیاء/ ۹۸	وَرِدُونَ ← وَارِدُونَ	وَرِدُونَ
۹	الحج/ ۵۸	الرَّزَقِينَ ← الرَّازِقِينَ	الرَّزَقِينَ
۱۰	الروم/ ۲۲، السجده/ ۴، ص ۶۶، غافر/ ۳۷، شوری/ ۲۹،	السَّمَوَاتِ ← السَّمَوَاتِ	السَّمَوَاتِ

		الزخرف/۸۲، الطور/۳۶، النجم/۲۶، الرحمن/۲۹، ۳۳، الحديد/۴، ۵، ۱۰، الحشر/۲۴، التغابن/۴، النبأ/۳۷	
۱۱	الاحزاب/۳۵	الذَّكِرِينَ ← الذَّاكِرِينَ	الذُّكِرِينَ
۱۲	الاحزاب/۳۵	الذَّكِرَاتِ ← الذَّاكِرَاتِ	الذُّكِرَاتِ
۱۳	الصافات/۲	فَالزَّجِرَاتِ ← فَالزَّاكِرَاتِ	فَالزُّجِرَاتِ
۱۴	الذاريات/۱۰	الخَرَّاصُونَ ← الخَّرَّاصُونَ	الخُرَّاصُونَ
۱۵	الرحمن/۷۲	مَقْصُورَاتٌ ← مَقْصُورَاتٌ	مَقْصُورَاتٌ
۱۶	التحریم/۵	قُتِبَتْ ← قُتِبَتْ	قُتِبَتْ
۱۷	التحریم/۵	تَبَّتْ ← تَبَّتْ	تَبَّتْ
۱۸	التحریم/۱۰	الدَّخِلِينَ ← الدَّاخِلِينَ	الدُّخِلِينَ
۱۹	العاديات/۳	فَالْمُغِيرَاتِ ← فَالْمُغِيرَاتِ	فَالْمُغِيرَاتِ

استثنائات

گفته شد که شیخین معتقد به حذف الف در جمع‌های سالم - اعم از مذکر و مؤنث - هستند. با این حال در بعضی موارد قائل به حذف الف نیستند. مثلاً بر اساس نظر شیخین وجود همزه و تشدید بعد از الف منجر به کتابت الف می‌شود و به جز مصاحف مدینه و عراق به اثبات الف نوشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۲۲، ارکاتی، بی تا، ۷/ ۲۹۱، سمیرالطالبین، ۲۶). اما عملکرد کاتب در این موارد خلاف نظر شیخین است و الف محذوف است. چند نمونه بارزی که کاتب بر خلاف عقیده شیخین الف را حذف کرده، از این قرار است: فنزون (مؤمنون/۱۱۱؛ التوبه/۲۰؛ النور/۵۲؛ الحشر/۲۰)، طغین (النبأ/۲۲)، القمین (الحج/۲۶)، لَذَنِقُونَ (الصافات/۳۱).

۳. حذف الف در کلماتی که شیخین (بدون قاعده) تصریح به حذف کرده‌اند

شیخین اتفاق نظر دارند بعد از برخی حروف، الف حذف می‌شود. مثلاً بعد از باء در واژه تبرک، بعد از یاء در کلمه القیمه در کل قرآن، بعد از طاء در واژه الشیطن و من سلطن، بعد از سین در واژه مسجد، مسکین، بعد از صاد در واژه نصری، بعد از هاء در الانهر و انهر (ابوعمر، ۱۴۳۱ق،

۱۸، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۱۰۷، ۴/ ۱۱۲۴؛ ابن وثیق، ۴۲۹ق، ۴۱، ارکاتی، بی تا، ۵۸۲/۶). اما برخلاف نظر ایشان در این نسخه در مواردی الف کتابت شده است و گاه نیز حذف شده است. رویه متفاوت کاتب در کتابت حاکی از عدم وحدت رویه اوست. برای مثال حذف الف بعد از هاء در کلمه انهر و الانهر نمونه‌ای از این عدم وحدت رویه است؛ چنانکه مشهود است در اغلب مواضع به حذف الف کتابت شده (برای این موارد نک به: البقره/ ۲۶۶، آل عمران/ ۱۹۵، النساء/ ۱۹۸، المائده/ ۱۱۹، التوبه/ ۱۰۰، الاسراء/ ۹۱، ۱۲۲ النمل/ ۶۱، البینه/ ۸) و در معدودی از موارد به اثبات الف و به صورت انهار و الانهار کتابت شده است و مواضع آن عبارتند از: چهار مرتبه در (محمد/ ۱۵)، و نیز (التوبه/ ۱۰۹). نمونه دیگر از این دست کلمه مساجد است که گاه به حذف الف (نک به: البقره/ ۱۱۴، الحج/ ۴۰، و گاه به اثبات آن (نک به: التوبه/ ۱۷، ۱۸) کتابت شده است.

۴. اثبات الف بعد از واوی که در اسم مفرد مضاف علامت رفع است

گفته شد شیخین به اتفاق بر این عقیده‌اند که مصاحف در برخی مواضع الف را حذف کرده‌اند. یکی از این موارد حذف الف بعد از واوی است که در اسم مفرد مضاف علامت رفع است (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۲۸؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۸۲، ۳۷۵، ارکاتی، نثر المرجان، ۱/ ۳۸۸). اما در نسخه مزبور مواردی دیده می‌شود که با عقیده شیخین سازگار نیست و کاتب این موارد را به زیادت الف نگاشته است؛ مانند: ذوا انتقام (آل عمران/ ۴)، ذوا العرش (غافر/ ۱۵). البته به یک شیوه عمل نکرده است و در برخی نمونه‌ها از این شیوه عدول کرده و الف را حذف کرده است؛ مانند: ذو فضل (البقره/ ۲۵۱)، ذو رحمة (الانعام/ ۱۴۷)، ذو الجلال (الرحمن/ ۲۷).^{۱۴}



تصویر ۲۱: اثبات الف در ذوا انتقام و حذف الف در ذوا فضل

۵. حذف الف در کلمات زائد بر بناء یا منقلب از یاء و واو

بنا به گفته ابوعمر، اگر الف کلمه‌ای زائد بر بناء یا منقلب از یاء یا واو باشد، به اثبات نوشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۲۲). در خصوص برخی واژه‌ها نیز ابوداود با او متفق است؛ مثلاً در واژه «کُسالی» با یاء بعد از لام، (النساء/ ۱۴۲، التوبه/ ۵۴) بر وزن فُعالی، در اثبات الف قبل از لام

۱۴. کرمانی در خط المصاحف به نقل از إصبهانی گفته است، در پنج موضع «ذو» بدون الف کتابت می‌شود و این مواضع عبارتند از: لذو علم (یوسف/ ۶۸)، إلا ذو حظ (السجده/ ۳۵)، لذو مغفره (السجده/ ۴۳)، ذو الفضل (الجمعه/ ۴)، ذوالعرش (البروج/ ۱۵) و موارد دیگر که خارج از این مواضع است با واو و الف کتابت می‌شود (کرمانی، ۱۴۳۵ق، ۱۰۶، ۱۰۷). ابوبکر بن مهران النیسابوری نیز این کلام را نقل کرده (ابن الانباری، ۱۳۹۰ق، ۱۴۳؛ جهرمی، ۱۳۸۰، ۱۷) نقل کرده و ارکاتی نیز در نثرالمرجان این مطلب را از صاحب الخلاصه نقل کرده است (ارکاتی، بی تا، ۱۹۸/۱).

اختلاف نیست (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۴۲۴)، اما کتابت این واژه در نسخه مزبور در هر دو موضع بدون الف مشاهده می‌شود. واژه اقاموا نمونه دیگری است که الف آن منقلب از واو است و به نوشته ابوعمر و به اثبات نوشته می‌شود و ابوداود هم با او هم عقیده است (ابوعمر و، ۱۴۳۱ق، ۲۲). اما باز هم مشاهده می‌شود که در این نسخه در بیشتر موارد بدون الف و به شکل اقموا کتابت شده است (نک به: الاعراف/۱۷۰، التوبه/۱۱، الرعد/۲۲، الحج/۴۱، فاطر/۱۸، الشوری/۳۸)، اگرچه دوگانگی در نسخه وجود دارد و با الف هم نگارش نگاشته شده است (نک به: البقره/۲۷۷، المائده/۶۶). اگر بخواهیم نمونه‌ای برای منقلب از یاء مثال بیاوریم، به اضاعوا اشاره می‌کنیم که با گفته شیخین با الف و در این نسخه بدون الف نگاشته شده است (نک به: مریم/۵۹).



تصویر ۲۲: حذف الف در اقاموا

۶. حذف الف بعد از ضمیر منفصل «ایا»

ابوعمر و و ابوداود در خصوص حذف الف بعد از ضمیر منفصل «ایا» اظهار نظر نکرده‌اند و بعضی از محققان از این سکوت اثبات الف را استنباط کرده‌اند (نک: ارکاتی، نثر المرجان، ۱/۹۷)؛ بنابراین در مصحف امیری الف در ضمیر منفصل «ایا» نگاشته شده در حالیکه در مصحف شماره ۱ آستان قدس این واژه‌ها به شکل دوگانه آمده است، گاه بدون الف و گاه همراه الف.

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ آستان قدس	مصحف امیری و لیبی
۱	الفاتحه/۵	إِيكَ	إِيَاكَ
۲	القصص/۶۳	إِينَا	إِيَانَا
	یونس/۲۸	إِيَانَا	إِيَانَا
۳	سبأ/۲۴، ۴۰، بنی اسرائیل/۳۱، النساء/۱۳۱، العنکبوت/۶۰	إِيَاكُمْ	إِيَاكُمْ

واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن

		الممتحنه/۱،	
۴	الانعام/۱۵۱	إِيَّاهُمْ	إِيَّاهُمْ

۷. زیادت یاء

مصاحف در رسم واژگانی که دو یاء دارند، در صورتی که به ضمیر متصل باشد، اتفاق نظر دارند و همچنین معتقدند اگر به ضمیر متصل نباشد با یک یاء نوشته می شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۴۹-۵۰؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۰۸)؛ بنابراین واژه‌هایی مانند يُحِي، نُحِي، مُحِي، أُحِي، نَسْتَحِي، يَسْتَحِي و از این قبیل، در مصحف مشهد بر خلاف رسم المصحف با دو یاء نوشته شده‌اند. لذا در زمره دست‌های قرار می‌گیرد که با نقل شیخین مخالف است.

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ آستان قدس	مصحف امیری و لیبی
۱	البقره/۲۶، القصص/۴، الاحزاب/۵۳.	يَسْتَحِي	يَسْتَحِي
۲	البقره/۷۳، الحج/۶، الروم/۵۰، يس/۷۸، الشوری/۹، الاحقاف/۲۳، الحديد/۱۷، القيامة/۴۰.	يُحِي	يُحِي
۳	آل عمران/۴۹.	أُحِي	أُحِي

علاوه بر اینها، کلماتی چون بایه، بایت، بایته، بایتنا، بأی نیز با یک یاء اضافه یا یک دندانۀ اضافه کتابت شده‌اند. به نوشته کریمی نیا این شیوه نگارش در عموم نسخه‌های کوفی قرن دوم و چهارم هجری متداول و مرسوم است (کریمی نیا، ۱۴۰۰ش، ۱۴۴)

ردیف	شماره آیه/سوره	مصحف شماره ۱ آستان قدس	مصحف امیری و لیبی
۱	آل عمران/۴۹،۵۰.	باییه	بایه

		الاعراف/١٠٦، ٢٠٣ الرعد/٣٨، طه/٤٧، طه/١٣٣، الانبياء/٥، الشعراء/١٥٤، الروم/٥٨، غافر/٧٨،	
٢	بَايْتُهُ	بَايْتُهُ	الانعام/٢١، يونس/١٧،
٣	بَايْتِ	بَايْتِ	آل عمران/٤، ١٩، ٢١، ٧٠، ١٩٩، النساء/١٥٥، الانعام/٢٧، ٣٣، ١٥٧، الاعراف/١٢٦، الانفال/٥٢، التوبه/٩، يونس/٧١، يونس/٩٥، هود/٥٩، النحل/١٠٤، الكهف/٥٧، ١٠٥، طه/١٢٧، المؤمنون/٥٨، الفرقان/٧٣، العنكبوت/٢٣، السجده/٢٢، الزمر/٦٣، غافر/٦٣، الجاثيه/١٠، الاحقاف/٢٦، الجمعه/٥،
٤	بَايْتِنَا	بَايْتِنَا	آل عمران/١١، النساء/٥٦، الانعام/٢٩، ٤٩، ٥٤، ١٥٠، الاعراف/٩، ٣٦، ٤٠، ٥١، ٦٤، ٧٢، ١٣٦،

	۱۴۶، ۱۵۶، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۲، یونس/۷۳، ۷۵، هود/۹۶، الاسراء/۹۸، مریم/۷۷، الحج/۵۷، مؤمنون/۴۵، الفرقان/۳۶، النمل/۸۲، ۸۳ القصص/۳۶، الروم/۱۶، ۵۳، السجده/۲۴، غافر/۲۳، فصلت/۱۵، ۲۸، الزخرف/۶۹، القمر/۴۲، النبا/۲۸،	
--	--	--

۸. همزه

در زبان عربی، نگارش همزه به شکل های متفاوتی است؛ گاه به شکل الف، گاه واو و گاه یاء. در آغاز، همزه در خط عربی یا فاقد صورت بوده است یا از برخی حروف برای صورت یا کرسی آن استفاده می شده است.

به تصریح شیخین، در همزه متوسطه ماقبل ساکن اصل این است که بدون صورت نوشته شود. کلماتی چون «یسئل»، «یسئلون»، «سوءاتهما»، «شیئا» نمونه هایی هستند که همزه کلمه بدون صورت نوشته می شوند (نک: به: ابو عمرو، ۱۴۳۱ق، ۶۱؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۴۷). نگارش این واژه ها در این نسخه بدون صورت و مطابق نظر شیخین است؛ مثلاً: سوتهما^۵(الاعراف/۲۰، ۲۲، طه/۱۲۱)، شیا (البقره/۲۱۶، ۲۲۹، الاعراف/۱۹۱).

همچنین در این نسخه مواردی دیده می شود که از این قاعده استثناء شده اند. جالب است که این استثناها مطابقت دارد با تبصره و استثنای که ابو عمرو و ابوداود ذکر کرده اند؛ مثلاً آنها تصریح کرده اند که در واژه نَشَاءَ (العنكبوت/۲۰؛ النجم/۵۲؛ الواقعة/۶۲)، همزه به صورت الف نوشته می شود (ابو عمرو، ۱۴۳۱ق، ۴۳؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۹۲-۱۹۴)، در نسخه مشهد به شماره ۱ نیز این کلمه به همین شکل کتابت شده است. در خصوص واژه يَنْشَأُ (الزخرف/۱۸) شیخین گفته اند که با واو و

۱۵. البته این کلمه در نسخه به همراه الف دیده می شود که مبرهن است نگارش الف با قلم دیگر و به خطی دیگر بعداً به نسخه اضافه شده است.

الف نوشته می‌شود که واو صورت همزه و الف زائده است (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۵۵-۵۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۸۵). در نسخه موردتحقیق هم این کلمه به همین شکل کتابت شده است. شیخین گفته‌اند واژه علماء در آیات (فاطر/۲۸) و (شعراء/۱۹۷) به صورت علموا نوشته می‌شوند (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۵۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴/ ۹۳۸-۹۳۹). کاتب نیز در این نسخه به همین شیوه کتابت کرده است و نیز واژه بلاء نیز به نقل شیخین در (دخان/۳۳) و (الصافات/۱۰۶) با واو و الف پس از لام یعنی به صورت بلوا نوشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۵۸-۵۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۱۳۷-۱۳۸). در نسخه مشهد در (دخان/۳۳) این واژه به شکل بلو و بدون الف و در (الصافات/۱۰۶) با واو و الف نگاشته شده است و در مواضع دیگر به شکل بلا نوشته شده است (نک: البقره/۴۹، الانفال/۱۷، ابراهیم/۷).

همچنین کتابت همزه در واژه جزاء به نقل شیخین بدین شکل است که بعد از حرف زای، الف قرار می‌گیرد؛ بدون اینکه واو بیاید؛ به جز در پنج موضع (المائده/۲۹؛ الزمر/۳۴، الشوری/۴۰، الحشر/۱۷). شیوه نگارش در این پنج موضع نیز، بدین شکل است که بعد از زای الف نوشته نمی‌شود و ابتدا واو نوشته می‌شود. بدین ترتیب که جایگاه الف هم بعد از واو است. اما نگارش این واژه به اثبات الف و واو بعد از آن که نشانه همزه است، بندرت رخ می‌دهد و شاذ تلقی می‌شود؛ زیرا هیچ یک از علمای رسم بدان اشارتی نکرده‌اند. میان علمای رسم مشهور و معروف این است که الف اثبات نمی‌شود بجز اینکه واو به نشان همزه نیاید و در صورتی که واو آورده شود، در نتیجه الف ماقبل آن حذف می‌شود و بعد از آن نگاشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۵۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/ ۴۴۰، ارکاتی، بی تا، ۱/ ۱۸۰). اما نگارش همزه در نسخه مشهد به شماره ۱، به شکل واو و به همان گونه شاذ یعنی جزا و کتابت شده است (نک به: البقره/۱۹۱، ۸۵، مائده/۲۹، ۳۳، ۸۵، ۹۵، التوبه/۲۶، یونس/۲۷، یوسف/۲۵، ۷۴، ۷۵، طه/۷۶، الزمر/۳۴، فصلت/۲۸، الشوری/۴۰، الرحمن/۶۰، الحشر/۱۷).

کتابت همزه در واژه اولیاهم نیز در این نسخه با آنچه علمای رسم گفته‌اند متفاوت است. شیخین در شش موضع اولیاؤهم (البقره/۲۵۷، الانعام/۱۲۸، الانفال/۳۴، فصلت/۳۱) و اولیائهم (الانعام/۱۲۱، الاحزاب/۶) به اختلاف تصریح کرده‌اند. بدین ترتیب که در بعضی مصاحف واو به نشانه همزه مضموم است و یاء به نشانه همزه مکسوره با اثبات الف پیش از آن، کتابت شده است و در بعضی دیگر به حذف الف و حذف همزه در هر دو حالت ضمه و کسره کتابت شده است (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۳۶-۳۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۳۰۱-۳۰۲، ارکاتی، بی تا، ۲/ ۲۳۸). اما رسم این

کلمه با الف و حذف واو بعد آن شاذ است و علمای رسم به آن اشاره نکرده‌اند و این در حالی است که در نسخه مورد تحقیق دقیقاً به همین صورت شاذ کتابت شده است (نک: البقره/ ۲۵۷، الانعام/ ۱۲۱، ۱۲۸، الانفال/ ۳۴) و همچنین در فصلت/ ۳۱ و الاحزاب/ ۶ به صورت اولیکم و بدون الف و واو کتابت شده است.

شُرکاءکُم نمونه‌ای دیگر از این دست است که برای علامت ضمه گاه با کرسی واو برای همزه کتابت شده (نک: شُرکاوکُم در الانعام/ ۲۲، یونس/ ۱۰ دو مرتبه، یونس/ ۷۱) و گاه با کرسی یاء (الانعام/ ۱۳۶، الروم/ ۳۰). گاه نیز بدون کرسی همزه (نک: شرکاهم در الاعراف/ ۱۹۵، القصص/ ۶۴، فاطر/ ۴۰) و گاه نیز حتی الف آن نگاشته نمی‌شود علی‌رغم اینکه پایه همزه کتابت می‌شود (نک: شُرکئنا در الانعام/ ۱۳۶، شُرکئهم در القلم/ ۴۱).

گاه نیز دیده می‌شود که همزه اصلاً نوشته نشده است. یعنی در مصحف مشهد، همزه به‌ویژه همزه میانی برخلاف مصحف امیری حذف شده که نمونه‌های ذیل شماری از آنهاست: واژه اَنشَأنا که به صورت اَنشَأنا نوشته شده است (الانعام/ ۶، الانبیاء/ ۱۱، المؤمنون/ ۱۹، ۳۱، القصص/ ۴۵) یا واژه کُبْرَاءنا که در الاحزاب/ ۶۷ به شکل کُبْرنا^۷ نوشته شده است (الأحزاب/ ۶۷) یا واژه و جایء که به شکل وجی نوشته می‌شود (الزمر/ ۶۹)، و نیز واژه اَرءَیْتُم به شکل اَرِیْتُم^۸ (فصلت/ ۵۲، الاحقاف/ ۴، ۱۰، النجم/ ۱۹، الواقعة/ ۵۸)، اَفَرءَیْتُم به شکل اَفْرِیْتُم^۹ و نیز اَفَرءَیْت به شکل اَفْرِیْت^{۱۰} (النجم/ ۳۳) و اَرءَیْت به شکل اَرِیْت^{۱۱} (العلق/ ۱۳، الماعون/ ۱۲) نوشته شده است.

۹. بدل

بسیمیهم در شش موضع قرآن آمده است. در نسخه مشهد، در سه موضع (البقره/ ۲۷۳، اعراف/ ۴۶، ۴۸) الف به یاء تبدیل شده است. در دو موضع (الفتح/ ۲۹، الرحمن/ ۴۱) به اثبات الف و به صورت سیماهم نگاشته شده است، و در یک موضع (محمد/ ۳۰) شواهد حاکی از این است که در نسخه اولیه به اثبات الف و به صورت سیماهم نگاشته شده و سپس با قلمی متفاوت، حرف یاء میان

۱۶. در این خصوص ابوعمرو دانی الف را زائد بر بنا می‌داند، لذا الف را اثبات می‌کند که مخالف رویه ابوداود است (ابوعمرو، ۱۴۳۱ق، ۴۴، ارکاتی، بی تا، ۲/ ۲۴۵).

۱۷. با قلم دیگری بعداً الف اضافه شده است: کُبْرانا

۱۸. با قلم دیگری بعداً الف اضافه شده است: اَرِیْتُم

۱۹. با قلم دیگری بعداً الف اضافه شده است: اَفْرِیْتُم

۲۰. با قلم دیگری بعداً الف اضافه شده است: اَفْرِیْت

۲۱. با قلم دیگری بعداً الف اضافه شده است: اَرِیْت

میم و هاء اضافه شده است، به طوری که هنوز اثر الف اولیه باقی مانده است؛ به تصویر شماره ۱۴ دقت کنید.



تصویر ۲۳: بسیمهم (محمد/۳۰)

اما ابوداود معتقد است که در سه موضع الف بعد از میم حذف است (البقره/۲۷۳، محمد/۳۰، الرحمن/۴۱) و در سوره اعراف (هم آیه ۴۶ و هم ۴۸) الف بعد از میم به یاء بدل شده است و در سوره فتح/۲۹ به اثبات الف نوشته شده است (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۳۱۱-۳۱۲). ارکاتی نیز به اختلاف علما اشاره می‌کند. او معتقد است که ابوعمر و دانی این واژه را به اثبات الف بعد از میم، جزری به اثبات یاء بعد از میم می‌داند (ارکاتی، بی تا، ۱/ ۳۶۶). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که نگارش این واژه در این نسخه در سوره اعراف/۴۶، ۴۸ و فتح/۲۹ با نظر ابوداود مطابقت دارد و در سه موضع دیگر مغایرت دارد.

۱۰. فصل و وصل

در این مصحف وصل و فصل کلمات در بسیاری موارد با رسم المصحف یا مصحف امیری و لیبی مطابقت ندارد؛ بدین شکل که گاه در برخی موارد، رسم المصحف بر اتصال کلمه تأکید دارد، حال آنکه کاتب همان کلمه را در مصحف مشهد به صورت جدا و منفصل نوشته است، یا بالعکس یعنی کاتب مصحف مشهد کتابت متصل را برگزیده، فارغ از اینکه در مصحف عثمانی تأکید بر جدانویسی است. برای نمونه در اینجا برخی از این اختلافات را مرور می‌کنیم.

به نقل از شیخین در مصاحف امصار در نگارش واژه «کل ما» اختلافاتی دیده می‌شود. برخی مصاحف متصل و برخی نیز منفصل نگاشته‌اند (ابوعمر و، ۱۴۳۱ق، ۷۴؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۴۱۰، ابن وثیق، ۱۴۲۹ق، ۹۰، ارکاتی، بی تا، ۱/ ۶۴۰). در مصحف امیری در دو موضع (النساء/۹۱، المؤمنون/۴۴) این کلمه بصورت جدا (کل ما) نوشته شده و در مصحف لیبی در (النساء/۹۱) جدا و در (المؤمنون/۴۴) متصل کتابت شده است، ولیکن کاتب مصحف مشهد در هر دوی این موارد به صورت متصل (کلما) کتابت کرده است.

شیخین در نگارش «فی ما» بر این عقیده‌اند که باید متصل نوشته شود، آلا در یازده موضع (البقره/۲۴۰، المائده/۴۸، الانعام/۱۶۵، ۱۴۵، الانبیاء/۱۰۲، الشعراء/۱۴۶، الروم/۲۸، الزمر/۳، ۴۶، الواقعة/۶۱، النور/۱۴) (ابوعمر و، ۱۴۳۱ق، ۷۱-۷۲، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴/ ۹۰۲)، اما کاتب نسخه مشهد اگرچه در اغلب موارد مطابق رسم عثمانی عمل کرده است ولی در موارد اندکی متفاوت

عمل کرده است. نگارش متصل «فیما» در (البقره/۲۳۴ و النور/۳۴) دو نمونه بارز از نقض یازده موردی است که شیخین در اتصال استثناء کرده‌اند. همچنین در (البقره/۲۴) که شیخین تصریح به اتصال کرده‌اند در این نسخه به شکل منفصل «فی ما» کتابت شده است.

«آین ما» در ۹ موضع قرآن به صورت شرطیه آمده است که به نقل شیخین در بعضی مواضع متصل و در برخی دیگر جدا نوشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ص ۷۲، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۹۹). برخی نمونه‌ها که به صورت متصل و به شکل «اینما» مورد اتفاق نظر است، آیه ۷۸ از سوره النساء و آیه ۶۱ از سوره الاحزاب است. اما کتابت نسخه مشهد خلاف نظر شیخین است؛ زیرا در هر دوی این مواضع به شکل «آین ما» و منفصل کتابت شده است.

در کتابت «آن لا» میان مصاحف اختلاف وجود دارد. به نقل از مهدوی، در بعضی مصاحف با نون و در بعضی دیگر بدون نون گزارش شده است (مهدوی، ۱۴۳۰ق، ۴۲). ابوداود نیز با تصریح به این اختلاف، کتابت با نون را ترجیح داده است. دانی نیز نظر مخالفی ابراز نکرده است و به گزارش این اختلاف اکتفا کرده است (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/۵۵۶-۵۵۷، ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۶۸). در هر حال نگارش این واژه در مصحف امیری به فصل و با نون صورت گرفته است. حال آنکه کاتب مصحف مشهد علی رغم اینکه در بیشتر مواضع همین گونه عمل کرده است (مثلاً نک به: الاعراف/۱۰۵، ۱۶۹، توبه/۱۱۸، هود/۱۴، ۲۶، حج/۲۶)، ولی گاه بدون نون و به شکل «الآ» کتابت کرده است. آیه «ان لا اله الا انت» (الانبياء/۸۷) به وضوح نشان‌دهنده دوگانگی در کتابت این عبارت است.

عبارت «ان لو» در چهار موضع قرآن بکار رفته است. هرچند برخی علمای رسم در هر چهار موضع به فصل نقل کرده‌اند (نک: بکاری، ۱۴۳۷ق، ۴۲۲، مارغنی، ۱۴۱۵ق، ۱۸۹، بی‌تا، ۷/۵۳۸)، اما به نقل از ابوداود در سه موضع (الاعراف/۱۰۰، الرعد/۳۱، سبأ/۱۴) به صورت فصل و یک موضع (جن/۱۶) به صورت وصل یعنی «الو» نوشته می‌شود (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/۵۵۴). کتابت این عبارت در نسخه مشهد در هر چهار موضع به فصل گزارش شده است که در (الجن/۱۶) با آنچه ابوداود نقل کرده است، تفاوت نگارش وجود دارد.

در نگارش «آن لن» گاه نون قبل از لام حذف شده است و گاه در بعضی مصاحف نگاشته شده است. با اینکه مشهور است در برخی مواضع مانند: الکهف/۴۸، القیامة/۳، المزمل/۲۰ به قطع و به صورت «الآن» نوشته می‌شود (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/۸۱۰، ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۷۰-۷۱، ارکاتی، بی‌تا، ۷/۵۵۸)، اما در این مصحف در یک موضع این عبارت با نون کتابت شده است (نک به: المزمل/۲۰).

در کتابت «آن ما» نیز اختلاف کتابت میان مصحف مشهد و رسم المصحف به چشم می‌خورد. شیخین اتفاق نظر دارند که در سوره لقمان آیه ۳۰ مقطوعه است و به فصل نگاشته می‌شود و در آیه ۲۷ موصوله است و به وصل نوشته می‌شود (ابوعمر، ۱۴۳۱ق، ۷۳-۷۴، ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴/۹۹۳-۹۹۴، مهدوی، هجاء مصاحف امصار، ۴۷، ابن وثیق، ۱۴۲۹ق، ۸۸، ارکاتی، بی تا، ۵/۳۳۷). اما کتابت این عبارت در مصحف مشهد در هر دو موضع به فصل اتفاق افتاده است.

خطاهای نگارشی

در این نسخه به ندرت خطا در کتابت رخ داده است و در موارد انگشت‌شمار، افتادگی یا زیادت یا جابجایی برخی حروف به سبب سهو کاتب دیده می‌شود. مثلاً، در نگارش الف در «إِنَّ أَنْكَرَ» (لقمان/۱۹) در این نسخه سهو رخ داده و کاتب این عبارت را بدون الف و به شکل «إِنْ نَكَرَ» نگاشته است و نیز واژه «ذراکم» (المؤمنون/۷۹) سهواً به شکل «ذارکم» کتابت شده است. در جای دیگر سهو در زیادت و او مشاهده می‌شود. واژه «تَذَوُّقُوا» (النحل/۹۴) به شکل «تَذَوُّقُوا» و «کفروا» (الاعراف/۶۶) به شکل «کفرووا» نوشته شده است. علاوه بر خطاهایی که در نگارش حروف صورت گرفته است، در موارد اندکی نیز در نقطه‌گذاری اشتباه رخ داده است. مثلاً باء در استکبرتم (البقره/۸۷) به شکل تاء نقطه‌گذاری شده است یا فاء در یستغفرون (الانفال/۳۳) به اشتباه قاف نقطه‌گذاری شده است و راء در رزقنکم (الاعراف/۱۶۰) به صورت زای نگاشته شده است.



تصویر ۲۴: ذراکم (المؤمنون/۷۹)



تصویر ۲۵: نقطه‌گذاری استکبرتم به صورت استکترتم

نتیجه

۱. مقایسه رسم الخط این مصحف با قواعد رسم المصحف نشان می‌دهد در اغلب موارد رسم شباهت وجود دارد و می‌توان اظهار کرد رسم این مصحف تا حد زیادی با قواعد رسم المصحف یکی است. تعداد اختلافاتی که در این مصحف یافت شد قریب به ۲۰۰۰ واژه قرآنی است که اغلب آنها با نظرات هر دو شیخ در تغایر است و مواردی که تنها با یکی از شیخین (ابوعمر و دانی یا ابوداود) در تفاوت است اندک است. توضیحات و نمونه‌های که ذیل دسته‌بندی‌های این مقاله از نظر گذشت، گویای این مطلب است.

۲. کتابت یا حذف الف عمده این اختلافات است که مشاهده می‌شود در این مصحف برخی مطابق با قاعده و برخی بی‌قاعده کتابت یا حذف شده‌اند؛ حذف الف در هاء تنبیه، در یاء نداء، ضمیر متصل نا از موارد قاعده‌مندند. حذف واو و لام در برخی واژه‌ها، تطابق رسم را در این خصوص با آراء شیخین نشان می‌دهد. زیادت الف و یاء نیز در برخی نمونه‌ها گواه بر مطابقت رسم این مصحف با آراء شیخین است.

۳. اغلب تفاوت‌های رسم‌الخطی از این جنس است که کتابت واژه‌ها با آراء هر دو شیخ در تقابل است. مانند: فصل و وصل‌ها، زیادت یاء، حذف الف در کلمات زائد بر بناء یا منقلب از یاء و واو. از دیگر نتایج بدست آمده این است که مواردی که در این نسخه تنها با قواعد یکی از شیخین در تضاد است، بسیار اندک است.

۴. گاه کتابت واژه‌ها به شکل دوگانه است. مثلاً نگارش یا حذف الف بعد از ضمیر منفصل «ایا» گواه این مطلب است که در هنگام اتصال به ضمیر متصل در مواردی به حذف و مواردی به اثبات الف کتابت شده است.

۵. مطالعات خط‌شناسی در این مصحف نشان می‌دهد خط این مصحف با خطی که فرانسوا دروش آن را B.II نام‌گذاری کرده است، مطابقت بسیاری دارد. بر اساس مطالعات دروش این خط به اوایل قرن سوم تعلق دارد.

منابع

الف. مصاحف

۱. *مصحف امیری* (۱۳۹۱ق)، اداره البحوث و النشر بمجمع البحوث الاسلامیه، رقم ۱۶۹.
 ۲. *مصحف الجماهيریه، لیبی* (۲۰۰۵م)، جمعیه الدعوة الاسلامیه العالمیه، الطبعة الاولى.
 ۳. *مصحف شریف مصحف شریف منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام* (۱۳۹۶ش)، تحقیق آلتی قولاج، با همکاری حمید رضا مستفید، مرتضی توکلی، انتشارات مرکز طبع و نشر قرآن.
- ب. کتب و مقالات
۴. ارکاتی، ابن ناصرالدین محمد بن نظام‌الدین احمد نائطی (بی‌تا)، *نثرالمرجان فی رسم نظم القرآن*، حیدرآباد دکن، مطبعة عثمان بريس.
 ۵. ابوداود، سلیمان بن نجاج (۱۴۲۱ق)، *مختصرالتبیین لهجاء التنزیل*، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة.

۶. ابن الانباری، ابوبکر محمد بن قاسم (۱۳۹۰ق)، *ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله عز وجل*، دمشق، تحقیق محیی الدین عبدالرحمن رمضان.
۷. ابن وثیق اندلسی (۱۴۲۹ق)، *الجامع لما يحتاج الیه من رسم المصحف*، تحقیق غانم قدوری الحمد، چاپ اول، عمان، دارعمار.
۸. بکاری، عبدالسلام محمد (۱۴۳۷ق)، *دلیل الحیران علی مورد الظمان فی فنی الرسم والضبط*، چاپ دوم، دار الأمان.
۹. بلاشر، رژی (۱۳۷۶ش)، *در آستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. جهرمی، سید مهدی (۱۳۸۰ش)، *گنجینه بهارستان: مجموعه ۱۷ رساله در علوم قرآنی و روایی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: سازمان چاپ و انتشارات، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۱. دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید (۱۴۳۱ق)، *المقنع فی معرفی مصاحف اهل الامصار*، تحقیق نوره بنت حسن، ریاض، دارالتدمریه.
۱۲. دروش، فرانسیس (۱۳۹۴ش)، *قرآن‌های عصر اموی: مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف*، ترجمه مرتضی کریمی نیا و آلاء وحیدنیا، تهران، انتشارات هرمس.
۱۳. دروش، فرانسیس (۱۳۷۹ش)، *سبک عباسی: قرآن نویسی تا قرن چهارم هجری*، ترجمه پیام بهتاش، تهران، نشر کارنگ.
۱۴. الضباع، علی محمد (۱۴۲۰ق)، *سمیر الطالبین فی رسم و ضبط کتاب المبین*، تنقیح محمد علی خلف الحسینی، قاهره، المكتبة الازهریة للتراث.
۱۵. غانم قدوری الحمد (۱۴۰۲ق)، *رسم المصحف*، بغداد - عراق، اللجنة الوطنیه للاحتفال.
۱۶. غانم قدوری الحمد (۱۴۳۷ق)، *المیسر فی علم رسم المصحف و ضبطه*، عربستان سعودی، مرکز الدراسات والمعلومات القرآنیة.
۱۷. فرماوی، عبدالحی (۱۳۹۷ق)، *رسم المصحف بین المؤیدین و المعارضین*، مكتبة الأزهر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌جا.
۱۸. فضلی، عبدالهادی (۱۴۳۰ق)، *القراءات القرآنیة*، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات و النشر و التوزیع.

واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن

۱۹. کرمانی، اَبی القاسم محمود بن حمزه بن نصر (۱۴۳۵ق)، *خط المصحف*، دمشق - سوریه، دار الغوثانی الدراسات القرآنیة.
۲۰. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۹ش)، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۱۰)، قرآن کوفی ۴۲۸۹ در موزه ملی ایران و دیگر پاره مسروقه آن در موزه پارس (شیراز): طغیان علیه "کتابت پیوسته" در قرآن-نویسی کوفی»، *آینه پژوهش*، سال سی و یکم، شماره چهارم، مهر و آبان، صص ۱۱-۱۷۷.
۲۱. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۴۰۰ش)، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۱۴)، مصحف نجف: قرآن کوفی شماره ۱ منسوب به امام علی علیه‌السلام در حرم علوی»، *آینه پژوهش*، سال سی و دوم، شماره سوم، مرداد و شهریور، صص ۱۱۹-۱۶۲.
۲۲. مارغنی تونسی، ابراهیم (۱۴۱۵ق)، *دلیل الحیران علی مورد الظمان فی فنی الرسم والضبط*، چاپ اول، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیة.
۲۳. محمدی انویق، مجتبی، مرتضی توکلی، مرتضی رحیمی (۱۴۰۰ش)، «بررسی تطبیقی مصحف تاشکند با قواعد و نقل‌های تاریخی رسم المصحف»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۷۰، صص ۱۳۲-۱۵۰.
۲۴. مستفید، حمیدرضا؛ مرتضی توکلی (۱۳۹۶ش)، *پژوهشی در رسم المصحف*، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. مهدوی، ابی العباس احمد بن عمار (۱۴۳۰ق)، *هجاء مصاحف الامصار*، تحقیق حاتم صالح ضامن، عربستان سعودی، دار ابن جوزی.